

شعه پیشگام در سیره‌نگاری جایگاه جابر بن عبدالله انصاری در سیره‌نگاری

محمدرضا هدایت پناه^۱

چکیده: دانش سیره‌نگاری به دلیل آن که برای مسلمانان اهمیت بسیاری یافت، توجه همه گروه‌ها و شخصیت‌ها را به خود جلب کرد. در این میان، صحابه رسول خدا(ص) که خود حاضر و ناظر در حوادث دوران رسالت بودند نخستین گروه و مرجعی بودند که به عنوان منبع و مأخذ دریافت آگاهی‌های مربوط به این دوره، مورد توجه قرار گرفتند. اما بدیهی بود که همه آنان در یک رتبه نبودند و برخی از آنان در این زمینه برتری داشتند. با این حال مسائل سیاسی، اجتماعی و فکری جامعه مسلمانان نیز در امر انتقال این آگاهی‌ها به نسل بعدی مؤثر افتاد و موضوع اخبار دوران رسالت را با پیچیدگی‌ها مواجه کرد. در این میان، شخصیت جابر بن عبدالله انصاری از چهره‌های مشهور صحابه، در این عرصه اهمیت بسیار دارد. هم به لحاظ صحابی بودن و هم حضور فعال در حوادث دوران رسالت و هم دانش وسیع او در عرصه حدیث، فقه، تفسیر و سیره‌نبوی و مهم‌تر توجه خاص اهل بیت(ع) به وی، به دلیل آن که او توفیق درک محضر پنج امام را یافت. همه این‌ها و عواملی دیگر سبب شده تا جابر در عرصه‌های مختلف از جمله دانش نبوی از جایگاه ممتازی برخوردار شود و علاوه بر صحابه، بر بسیاری از تابعین نیز تقدم یابد. این مقاله بر آن است تا جایگاه او را در دانش سیره‌نبوی تبیین نماید و به این نتیجه برسد که جابر به عنوان صحابی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نخستین سیره‌نگار بوده است.

واژه‌های کلیدی: جابر بن عبدالله انصاری، سیره نبوی، سیره نویسان، صحابه، تابعین، عایشه،

عرو بن زبیر

۱ استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه Hedayatp@rihu.ac.ir

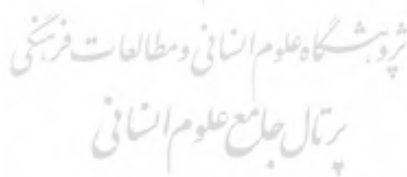
تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۱، تاریخ تأیید: اردیبهشت ۱۳۹۲

The Role of Djābir b. Abd Allah Ansāri as Shi'ite Pioneer in compiling *Sirā*

Muhammad-Reza Hedāyat Panāh¹

Abstract: Companions of Prophet (*Sahāba*) as the closest persons to him were used as the most frequent references in compiling *Sirā*. So, political and social ups and downs of early Islamic period had a great effect on the transmission of *Sirā* narratives. Djābir b. Abd Allah Ansāri, as a close companion to the prophet and five *Imāms*, is an important character in Medina society and as a great scholar in hadīth and *fiqh*, played a prominent role in compiling *Sirā*. This research analyzes his role as the first *Sirā* compiler in Islamic history.

Keywords: Djābir b. Abd al Allah Ansāri, *Sirā*, Companions of Prophet (*Sahāba*), A'isha, Urwa b. Zubayr



1 Assistant Professor of, Research Institute of Hawah and University Hedayatp@rihu.ac.ir

مقدمه

تاریخ‌نگاری مسلمانان با ثبت سیره یعنی هر آنچه به پیامبر(ص) مربوط بوده به صورت حدیث آغاز شده است. از این رو دانش سیره و حدیث به هم گره خورده، بنابر تعریف مزبور باید حدیث را نه دانش مصطلح، بلکه صورت و ساختاری برای سیره دانست که از هم تفکیک ناپذیرند.

بدیهی است که خاستگاه این حرکت علمی، شهر مدینه است که بسیاری از حوادث صدر اسلام را در خود جای داده و کانون اجتماع بسیاری از مسلمانان بود. تعیین افرادی که به درستی در عصر صحابه بازگو کننده اخبار سیره (به صورت تدریس سیره) بودند بسی مشکل است، اما با بررسی سلسله روایات سیره‌نویسان بعدی و تعیین راوی اصلی، می‌توان حدس زد که چه افرادی از صحابه و تابعین به این امر توجه و اشتغال بیشتری داشته‌اند. به طور مثال در طبقه صحابه، عایشه و جابر بن عبدالله انصاری و ابن عباس را می‌توان گفت که از این دسته بودند. اما امتیازاتی که جابر دارد بدون شک عایشه و حتی ابن عباس فاقد آن‌ها است و از این رو پیشگامی و نقش مؤثر جابر در ثبت سیره گویان و سیره‌نویسان محرز است.

این موضوع بستگی دارد که متخصص سیره را چه بدانیم و در چه مقیاسی آن را تعریف کنیم. آیا منظور از این اصطلاح کسی است که چند روایاتی در این حوزه دارد یا آن که نه تنها باید اشتغال کامل به آن داشته باشد، بلکه کرسی تدریس سیره داشته و حتی سیره نویس هم باشد؟

اگر سیره‌گویی منظور باشد ممکن است هر کسی به صرف نقل دو یا سه روایت، سیره‌گو تلقی شود، اما به یقین، چنین افرادی مصداق تعریف عرفی و اصطلاحی سیره‌گو و به طریق اولی سیره‌نویس قرار نمی‌گیرند. اگر اشتغال به بیان سیره نبوی و سیره‌نویسی منظور باشد، در بعد تاریخ شفاهی باید کسی باشد که به نقل این بخش از روایات اشتغال داشته و در این زمینه از آن مقدار شهرت برخوردار باشد که مورد توجه نسل بعدی برای اخذ روایات سیره قرار گرفته باشد. این امر از تعداد روایات منقول اشخاص در کتب سیره و یا تصریح مورخان به این امر قابل تشخیص است.

از بعد تدوین و سیره‌نویسی نیز - صرف نظر از بقا و یا فنای آثار - حداقل، کسانی را شامل می‌شود که گزارش‌های قابل توجهی از حوادث صدر اسلام اعم از مکی و یا مدنی نوشته و منبع سیره‌نویسان بعدی قرار گرفته باشند. بدیهی است باید توجه داشت که دوره‌های هر دانشی را با توجه به سیر تکوین و تطور آن نمی‌توان یکسان مقایسه کرد.

بنابراین، آیا آن گونه که در کتب تراجم و فهرست، عرو بن زبیر و یا موسی بن عقبه و برخی افراد دیگر را در عرصه دانش سیره نبوی به عنوان «پیشگام» این دانش معرفی کرده‌اند به حقیقت نیز چنین است و آیا بررسی‌ها و گزارش‌های متون سیره نبوی چنین مطلبی را نشان می‌دهد؟ توجه داشته باشیم که بحث بر سر نادیده انگاشتن تلاش کسانی نیست که در دوره‌های بعد در دانش سیره نبوی - با هر انگیزه‌ای - گام‌های بلند و موثری برداشتند، بلکه بحث بر سر نادیده انگاشتن زحمات پیشینیان و کسانی است که حتی فضای سیاسی و اجتماعی مناسبی در اختیار آنان نبود تا آن گونه که سزاوار بود دانش خود را به نسل‌های بعدی انتقال دهند. در این مقاله پس از معرفی کوتاهی در باره شخصیت جابر، به نقش و جایگاه وی در دانش سیره نبوی و مقایسه او با سیره‌نگاران تا نزدیک به نیمه سده دوم پرداخته خواهد شد.

شخصیت جابر

ابو عبدالله، جابر بن عبدالله بن عمرو انصاری، از تیرهٔ بنو سلمه از قبیلهٔ خزرج است.^۱ تولد او را سال ۱۶ قبل از هجرت^۲ و سن او را در حادثهٔ بدر ۱۸ سال نوشته‌اند.^۳ او در حالی که بسیار کوچک بود^۴ از جمله هفتاد نفری است که به همراه پدرش در پیمان عقبه دوم^۵ و یا هر دو عقبه حضور داشت. جابر به دلیل این که پدرش او را برای سرپرستی بر نه خواهرش گماشت، نتوانست در بدر و احد شرکت کند.^۶ اما بسیاری از مورخان کهن و متأخر حضور او را در احد تأیید

۱ عبدالله بن محمد بغوی (۱۴۲۱)، معجم الصحابه، تحقیق محمد الامین الجکسی، ج ۱، کویت: مکتبه دار البیان، ص ۴۳۸؛ علی بن محمد بن اثیر (۱۴۱۵)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۴۹۲.

۲ خیر الدین زرکلی (۱۴۱۰ق)، الاعلام، ج ۲، بیروت: دار العلم للملایین، ص ۱۰۴.

۳ شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (۱۴۱۳ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط و حسین الاسد، ج ۳، بیروت: مؤسسة الرساله، ص ۱۹۱.

۴ سلیمان بن احمد طبرانی (بی تا)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، ج ۲، قاهره: مکتبه ابن تیمیّه، ص ۱۸۲؛ ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، ج ۱۱، بیروت: دار الفکر، ص ۲۱۹.

۵ عبدالله بن مسلم بن قتیبه (بی تا)، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: دار المعارف، ص ۳۰۷؛ احمد بن عبدالله بن نوعیم (۱۴۱۹ق)، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، ج ۲، ریاض: دار الوطن للنشر، ص ۵۲۹؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر (۱۴۱۵)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۲۹۳.

۶ محمد بن حبان (۱۴۱۱ق)، مشاهیر، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، (بی تا): دار الوفاء، ص ۳۰.

۷ برای اطلاع از نظر خود جابر در این باره، رک: خلیفه بن خیاط (۱۴۱۴ق)، تاریخ خلیفه، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، ص ۴۲؛ ابن عبدالبر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن اثیر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۲؛ احمد بن علی بن حجر (۱۴۱۵ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۵۴۶.

کرده‌اند،^۱ ولی ابن سعد^۲ به نقل از واقدی، چنین مطلبی را توهمی از سوی راویان عراقی چون اعمش می‌داند. با این حال جابر را در شمار اصحاب بدری شرکت کننده در جنگ صفین نام برده‌اند.^۳

جابر در بسیاری از غزوات و سریه‌ها شرکت فعال داشته است. رسول خدا(ص) در یکی از غزوات (ظاهراً مریسیج) شتر جابر را خرید و برای جابر بیست و پنج بار طلب آمرزش کرد.^۴

در خواست کاغذ و قلم در آخرین لحظات عمر پیامبر(ص) و امتناع برخی از اصحاب از جمله عمر و کلام بد او، آخرین مشاهده جابر از حوادث عصر رسالت گزارش شده است.^۵ پس از وفات پیامبر(ص) و داستان سقیفه، وی در کنار امیرالمؤمنین (ع) بود.^۶ ابن قدامه^۷ نیز از منظر افکار امامیه، او را در شمار سلمان و مقداد و ابوذر و عمار قرار داده که پس از پیامبر(ص) مرتد نشده و به علی (ع) معتقد بودند. عمر او را عریف (علی القاعده، قوم خود یعنی بنو سلمه) کرد.^۸ در جنگ یرموک (سال ۱۵)،^۹ قادیسیه،^{۱۰} دمشق و مصر نیز حضور داشت و مصریان حدود ده حدیث از او نقل کرده‌اند.^{۱۱}

- ۱ محمدبن اسماعیل بخاری [بی تا]، *التاریخ الکبیر*، تحقیق محمدعبدالمعیدخان، ج ۲، بیروت: دارالفکر، ص ۲۰۷؛ عمروابن ابی‌عاصم(۴۱۱ق)، *الأحاد والمثنائی*، تحقیق باسم فیصل احمد جوابره، ج ۴، ابی‌جا، دار الدرایه، ص ۶۹؛ محمدابن حبان(۴۱۱ق)، *مشاهیر علماء الامصار*، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، ابی‌جا، دار الوفاء، ص ۳۰، بغوی(۴۲۱ق)، همان، ج ۱، صص ۴۳۹-۴۴۰؛ محمدبن عبدالله حاکم(۴۰۶ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف المرعشلی، ج ۳، بیروت: دار المعرفه، ص ۵۶۵؛ ابونعیم(۴۱۹ق)، همان، ج ۲، ص ۵۳۰؛ محمدبن حسن طوسی(۴۱۵ق)، *الرجال*، تحقیق جواد القیومی، قم: جامعه‌المدرستین، ص ۳۱؛ محمدبن حسن طوسی(۴۱۴ق)، *الامالی*، تحقیق مؤسسه البعثه، قم: دارالنتفاهه، ص ۵۰۰؛ ابن‌عساکر(۴۱۵ق)، همان، ج ۱۱، ص ۲۱۴؛ ابن‌اثیر(۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۳.
- ۲ احمدبن عبدالله ابونعیم(۴۰۶ق)، *دلائل النبوه*، تحقیق محمد رواس قلعه جی و عبدالبر عباس، ج ۱۲، بیروت: دارالنفائس، ص ۵۳۰؛ حاکم نیشابوری(۴۰۶ق)، همان، ج ۳، ص ۵۶۵.
- ۳ ابن‌اثیر(۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۳؛ عبدالحسین امینی(۳۹۷ق)، *الغدیر*، ج ۹، بیروت: دار الکتاب العربی، ص ۳۶۳.
- ۴ حاکم نیشابوری(۴۰۶ق)، همان، ج ۳، ص ۵۶۵؛ احمدبن شعیب نسائی(۴۱۱ق)، *السنن الکبری*، تحقیق عبد الغفار سلیمان بنداری و سیدحسن کسروی، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۶۹؛ محمدبن عیسی ترمذی(۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق عبدالوهاب عبد اللطیف، ج ۵، بیروت: دارالفکر، ص ۳۵۴.
- ۵ علی بن موسی بن طاووس(۴۱۳ق)، *الیقین*، تحقیق الانصاری، قم: مؤسسه دار الکتاب، صص ۵۲۱-۵۲۲.
- ۶ محمدبن حسن طوسی(۴۰۴ق)، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق سید مهدی رجائی، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت، ص ۱۸۲؛ حسن بن یوسف حلی(۴۰۲ق)، *خلاصه الاقوال*، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، قم: منشورات الرضی، ص ۹۴.
- ۷ عبدالله بن قدامه مقدسی [بی تا]، *المعنی*، تحقیق جماعة من العلماء، ج ۵، بیروت: دار الکتاب العربی، صص ۱۲۶-۱۲۷.
- ۸ عریف که جمع آن عرفاء است به کسی گویند که به تدبیر امور قوم و قبیله خود مانند تقسیم اموال میان آنان می پردازد و منصبی پایین تر از رئیس قبیله بوده است. مانند منصب نقیب و نقابت. رک: محمدبن سعد(۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۶، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۱۵۲؛ محمد بن جعفر طبری(۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری*، ج ۴، ص ۴۹؛ مبارک بن محمد بن اثیر(۳۶۴ق) اش (فست)، *النهايه فی غریب الحدیث*، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطنحاجی، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ص ۲۱۸؛ شرح نهج البلاغه، همان، ج ۹، ص ۱۵۴.
- ۹ محمدبن عمر واقدی(۴۱۷ق)، *فتوح الشام*، تحقیق عبداللطیف عبدالرحمن، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، صص ۱۵۸-۱۷۴.
- ۱۰ مالک بن انس(۴۰۷ق)، *المدونه الکبری*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۳۰۸.
- ۱۱ عبدالرحمن بن عبدالله ابن عبدالحکم(۴۱۶ق)، *فتوح مصر و اخبارها*، تحقیق محمد الحجیری، بیروت: دار الفکر، ص ۴۵۸؛ جلال الدین سیوطی(۴۱۸ق)، *حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره*، تحقیق خلیل منصور، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۱۴۴.

جابر و اهل بیت (علیهم السلام)

شیخ طوسی^۱ او را در شمار اصحاب پیامبر (ص)، امیر المؤمنین (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) نام برده و این موضوع گویای تشیع امامی او است. مسعودی^۲ جابر را در فهرست شیعیان اهل بیت (ع) نام برده‌اند. کشی^۳ روایات زیادی در مدح جابر آورده که نشان از جایگاه رفیع او دارد. از اخبار بر می‌آید که جابر مانند سلمان با رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) مراد و بسیار نزدیک داشته است به طوری که رسول خدا (ص) او را از اهل بیت (ع) شمرده و میزان دوستی و دشمنی با خدا قرار داده است.^۴ پیامبر (ص) او را همراه خود به خانه حضرت فاطمه (س) می‌برد.^۵ جابر راوی صحیفه فاطمی است که در آن به اسامی امامان شیعه تصریح شده و به «خبر لوح» معروف است.^۶ همچنین منشأ روایت مشهوری که پیامبر (ص) وعده دیدار جابر را با امام باقر (ع) داده، در حقیقت زمانی بوده که رسول خدا (ص) اسامی امامان معصوم را برای جابر نام می‌برده است.^۷ روایات متعددی که از او در باره امامان معصوم و این که از نسل فاطمه زهرا (س) خواهند بود به ویژه موضوع مهدویت از مشخصه‌های روایات جابر گشته است.^۸ او در روایت دیگری ویژگی‌های مخصوص هر یک از امامان معصوم را از پیامبر (ص) روایت کرده است.^۹ حتی بنا بر نقل خود جابر در باره خلافت، ده بار از رسول خدا (ص) پرسید تا این که

- ۱ محمد بن حسن طوسی (۱۴۱۵ق)، *الرجال*، تحقیق جواد القیومی، قم: جامعه المدرسین، صص ۱۲، ۳۷، ۶۶، ۷۲، ۸۵، ۱۱۱.
- ۲ علی بن الحسین مسعودی [بی‌تا]، *التنبیه والاشراف*، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، ص ۱۹۸.
- ۳ طوسی (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۱، ص ۲۰۵.
- ۴ محمد بن محمد مفید (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، صص ۲۲۲-۲۲۳؛ محمد باقر مجلسی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، ج ۲۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ص ۳۴۷.
- ۵ محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه، صص ۵۲۸-۵۲۹.
- ۶ کلینی (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، ج ۱، صص ۵۲۷ و ۵۳۲؛ محمد بن علی صدوق [بی‌تا]، *کمال الدین*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه المدرسین، باب ۲۸، ص ۳۰۸؛ محمد بن محمد مفید (۱۴۱۳ق)، *الارشاد*، تحقیق مؤسسة آل البيت، ج ۲، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، ص ۳۴۶؛ محمد بن حسن طوسی (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، تحقیق عباد الله الطهرانی و شیخ علی احمد الناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه، صص ۱۳۹ و ۱۷۸.
- ۷ بنگرید: کلینی (۱۳۶۳ش)، همان، ج ۱، ص ۵۲۷؛ علی بن بابویه قمی [بی‌تا]، *الامامه والتبصره*، قم: مدرسة الامام المهدی، ص ۱۰۳؛ صدوق [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۵۳؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم [بی‌تا]، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق، ص ۷۰.
- ۸ بنگرید: احمد بن محمد اشعری قمی (۱۴۰۸ق)، *النوادر*، قم: مؤسسة الامام المهدی، ص ۸۲؛ احمد بن عبيدالله جوهری [بی‌تا]، *مقتضب الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر*، قم: مکتبه الطباطبائی، ص ۹؛ محمد بن احمد بن شاذان قمی (۱۴۰۷ق)، *مآثره منقبة*، تحقیق محمد باقر بن مرتضی الموحّد الابطحی، قم: مؤسسة الامام المهدی، ص ۲۵؛ مفید، *الارشاد*، ج ۶، ص ۲۳۴؛ طوسی (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، ص ۱۷۸؛ ابن طاووس (۱۴۱۱ق)، همان، ص ۴۹۵.
- ۹ محمد بن علی بن شهر آشوب (۱۳۷۶ق)، *مناب آل ابي طالب*، تحقیق لجنة من اساتذة النجف الاشرف، ج ۱، نجف: مکتبه الحیدریه، ۲۵۱.

علی(ع) را معرفی نمود^۱ و در پاسخ به سؤال جابر در باره تعداد امامان، رسول خدا(ص) آنان را دوازده تن همانند دوازده چشمه حضرت موسی تشبیه و بیان فرمود.^۲ مصاحبت او پس از رسول خدا(ص) با شش معصوم، جابر را از برجسته ترین اصحاب امامان شیعه نموده که طبعاً یکی از علل مهم اندوخته‌های زیاد و خاص علمی او بوده است.

جابر را از معتقدین به خلافت بلافضل علی(ع)، و از انصار بیعت کننده با آن حضرت پس از سقیفه^۳ و از اصفیاء و شرطه الخمیس بر شمرده‌اند.^۴ او در جنگ‌های جمل،^۵ صفین^۶ و نهروان^۷ در کنار علی(ع) حضور داشت. از جابر روایات زیادی در فضائل علی(ع) وارد شده.^۸ مناقبه^۹ که او نقل کرده از دیدگاه یک سنی حتی اعتدالی، گرایش شیعی از نوع افراطی را برای گوینده آن ثابت می‌کند. نمایه کلی این فضایل، پیرامون ولایت امامان شیعه و حتی مهدویت و جایگاه و مقام خاص آنان است که هیچ کس در میان مسلمانان تا روز قیامت به رتبه و منزلت آنان نمی‌رسد.^۹ عشق او به اهل بیت (ع) چنان بود که با کھولت سنی که داشت از این که در برابر انس بن مالک و بزرگان قریش و انصار، خود را به خاک پای امام حسین (ع) بیاندازد ابایی نداشت

- ۱ محمد بن محمد مفید (۱۴۱۳ق)، الامالی، تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ص ۱۶۸؛ محمد بن حسن طوسی (۱۴۱۴ق)، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، ص ۱۹۰.
- ۲ علی بن موسی بن طاووس (۱۴۱۳ق)، التحصین لاسرار ما زاد من اخبار كتاب اليقين، تحقیق انصاری، قم: مؤسسه دار الكتاب الجزائري، ص ۵۷۰؛ همو (۱۴۱۳)، همان، ص ۲۴۵.
- ۳ طوسی (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۱، ص ۱۸۲.
- ۴ محمد بن محمد مفید (۱۴۱۳)، الجمل، تحقیق سید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ص ۱۰۵؛ عبد الحمید ابن ابی الحدید (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه، ص ۲۲۱.
- ۵ حسن بن علی ابن شعبه حرانی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، صص ۱۸۶-۱۸۸.
- ۶ ابن عبدالبر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۲، ص ۲۹۳.
- ۷ محمد بن علی صدوق (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: جماعة المدرسين، ص ۲۳۲؛ حسن بن یوسف حلّی (۱۴۱۰ق)، نهایه الاحکام، تحقیق سید مهدی الرجائی، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ص ۳۵۵.
- ۸ رک: حسین وائقی (۱۳۷۸)، جابر بن عبدالله انصاری حیاته و مسنده، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صص ۱۶۸-۳۲۱.
- ۹ برای نمونه رک: محمد بن احمد بن شاذان قمی (۱۴۰۷ق)، همان، ص ۲۵؛ محمد بن سلیمان کوفی (۱۴۱۲ق)، مناقب امیر المؤمنین (ع)، تحقیق محمد باقر المحمودی، ج ۱، قم: مجمع الثقافة الاسلامیه، صص ۲۱۱، ۳۵۹، ۴۷۵؛ محمد بن علی صدوق (۱۴۱۷ق)، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ص ۱۴۹؛ قاضی نعمان مصری (۱۴۱۲ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۴۲۲؛ طوسی (۱۴۱۴)، همان، صص ۷۹، ۲۸۲؛ محمد بن علی عماد الدین طبری (۱۴۲۰ق)، بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۴۴؛ عمرو ابن ابی عاصم (۱۴۱۳ق)، کتاب السنة، تحقیق محمد ناصر الدین البانی، بیروت: المکتب الاسلامی، ص ۵۹۰.

و چون اعتراض به او شد، از مناقب امام حسن (ع) و امام حسین (ع) روایت کرد.^۱ سیدالشهداء (ع) در روز عاشورا پس از بیان جایگاه خود نسبت به رسول خدا (ص) از آنان خواست چنانچه به سخنان او اطمینان ندارند از اصحابی چون جابر بن عبدالله انصاری پرسند.^۲ شیخ مفید^۳ و طوسی،^۴ جابر را نخستین زائر قبر امام حسین (ع) نام برده و متنی که به عنوان زیارتنامه^۵ او نقل شده معرفت و اعتقاد عمیق او را نسبت به اهل بیت نشان داده است. در روایتی، امام باقر (ع) وثاقت^۶ و شفاعت جابر را تأیید و ضمانت کرده است.^۷ امام صادق (ع) جابر را از خواص اهل بیت (ع)^۸ و از جمله هفت نفری شمرده که به آیه مودت وفا کردند که پس از شهادت امام حسین (ع) بر اعتقاد به اهل بیت باقی ماندند.^۹ همچنین امام صادق (ع)، دوستی کسانی چون جابر را واجب شمرده است.^{۱۰} در واقعه حرّه که برخی از اصحاب پیامبر (ص) چون ابوسعید خدری در خانه خود پنهان شده بودند، جابر به همراه پسرش محمد در کوچه‌های مدینه به راه افتاد و با بیان روایت پیامبر (ص) که هر کس مردم مدینه را بترساند مرا ترسانده، امویان را مورد مؤاخذه قرار داد. او را زخمی کردند و خواستند بکشند، اما مروان نگذاشت.^{۱۱} پس از شهادت امام حسین (ع) جابر نخستین کس از اصحاب امام سجاد (ع) بود و در نماز به امام اقتدا می کرد و به دعاهای آن حضرت آمین می گفت.^{۱۲} دیدار او با امام باقر (ع) و ابلاغ سلام رسول خدا (ص) به آن حضرت از اخبار مشهور است. از امام صادق (ع) روایت شده است که جابر در مسجد النبی (ص) می نشست و پیوسته صدا می زد: ای باقر (شکافنده) علم! ای باقر علم! مردم مدینه او را به دلیل کهولت سن، هذیان گو می خواندند، ولی او می گفت: من هذیان نمی گویم، بلکه رسول خدا (ع) به من وعده دیدار فرزند

۱ طوسی (۱۴۱۴)، همان، صص ۵۰۰-۵۰۱.

۲ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، همان، ج ۱، ص ۹۷.

۳ محمد بن محمد بن نعمان مفید (۱۴۱۴ق)، مسار الشیعه، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید، ص ۴۶.

۴ محمد بن حسن طوسی (۱۴۱۱ق)، مصباح المتجهد، بیروت: مؤسسة فقه الشیعه، ص ۷۸۷.

۵ کلینی (۱۳۶۳ش)، همان، ج ۷، ص ۱۱۴.

۶ محمد تقی شوشتری (۱۴۱۵ق)، قاموس الرجال، ج ۲، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ص ۵۱۶.

۷ کلینی (۱۳۶۳ش)، همان، ج ۱، ص ۴۶۹؛ مفید (۱۴۱۳)، الاختصاص، ص ۶۲.

۸ عبدالله بغدادی حمیری (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: مهر، ص ۳۸؛ مفید، اختصاص، ص ۶۳.

۹ محمد بن علی صدوق (بی تا)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین، صص ۶۰۳-۶۱۰.

۱۰ ابن قتیبه عبدالله بن مسلم (۱۴۱۳ق)، الامامة والسیاسة، تحقیق علی شیری، ج ۱، قم: منشورات شریف رضی، ص ۲۳۶؛

ابن ابی عاصم (۱۴۱۱)، الأحاد و المثانی، ج ۳، صص ۳۹۱-۳۹۲.

۱۱ ر.ک: صحیفه السجادیه (۱۴۱۱ق)، ص ۳۰۹، دعای ۱۴۴؛ علی بن موسی بن طاووس (۱۴۱۴ق)، اقبال الاعمال، تحقیق جواد

القیومی الاصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی؛ ابن طاووس، اقبال، صص ۴۸۸-۷۸۹.

از اهل بیت(ع) را داده که نام و شمائل او چون رسول خدا(ص) است.^۱ بر اساس این روایات پس از این ماجرا، جابر به خانه امام باقر(ع) می‌رفت و کسب علم می‌نمود و این امر موجب تعجب و اعتراض مردم مدینه شده و می‌گفتند: صحابی پیامبر(ص) از این بچه آموزش می‌بیند. پس از شهادت امام سجاد(ع)، امام باقر(ع) به احترام جابر به خانه او می‌رفت و برای این که روایت آن حضرت مقبول بیفتد هر آنچه می‌خواست از رسول خدا(ص) نقل کند به روایت از جابر استناد می‌داد.^۲

جایگاه علمی جابر

روایات مختلف وی در علوم گوناگون، جامعیت علمی او را در زمینه‌های فقه، تفسیر، تاریخ و کلام نشان می‌دهد. جابر را از فقهای صحابه^۳ و ابن حزم^۴ و ذهبی^۵ او را از فتوا دهندگان زمان خود در مدینه دانسته‌اند. صحیفه جابر مشهور است.^۶ همچنین ذهبی برای او کتاب کوچکی نیز در باب مناسک حج نام برده است.^۷

وی از شخصیت‌هایی است که فقهای شیعه و سنی به احادیث و آراء فقهی او توجه و عنایت کامل داشته و در منابع فقهی به وفور بدان‌ها استناد کرده‌اند. او را از طبقه نخست مفسران از اصحاب رسول الله(ص) نام برده‌اند که اهل سنت، کتاب تفسیری ناتمامی از جابر دارند.^۸ علامه طباطبائی او را از صحابه‌ای که پس از رحلت پیامبر(ص) به تفسیر اشتغال داشته‌اند معرفی کرده است.^۹ سید محسن امین نیز او را از مفسران بزرگ نام برده است.^{۱۰} جابر از مشایخ ابو حمزه ثمالی در دو کتاب مسند و تفسیر او است. آراء تفسیری او^{۱۱} شاهدهی بر چنین جایگاهی برای او است. از جمله روایات تفسیری

۱ کلینی (۱۳۶۳ش)، همان، ج ۱، صص ۴۶۹ - ۴۷۰؛ مفید(۱۴۱۳)، الاختصاص، ص ۶۲.

۲ کلینی (۱۳۶۳ش)، همان، ج ۱، صص ۴۶۹ - ۴۷۰؛ طوسی(۱۴۰۴)، همان، ج ۱، ص ۲۲۰.

۳ سلیمان بن خلف باجی اَبی‌تألی، التَّعدیل و التَّجریح، تحقیق احمد البزار، ج ۱، مراکش: وزارة الاوقاف، ص ۴۵۵.

۴ علی بن احمد بن حزم(۱۴۱۵)، اصحاب الفقیه من الصحابة و التابعین، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۴۶.

۵ ذهبی(۱۴۱۳)، همان، ج ۳، ص ۱۹۰.

۶ ر.ک: ادامه نوشتار.

۷ شمس الدین محمد بن احمد ذهبی اَبی‌تألی، تذکرة الحفاظ، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۴۳.

۸ حسین وائقی(۱۳۷۸ش)، همان، صص ۷۵-۷۶.

۹ ر.ک: علی اکبر بابایی(۱۳۸۷)، تاریخ تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی(ره)، ص ۱۳۸.

۱۰ سید محسن امین(۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، ج ۴، بیروت: دار التعارف، ص ۴۶.

۱۱ برای نمونه ر.ک: عبدالرحمان بن یونس(۱۴۲۱ق)، تاریخ المصریین، عبدالفتاح فتوحی عبدالفتاح، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه،

ص ۱۵۹؛ ابوبکر احمد ابن ابی خثیمه(۱۴۲۴ق)، التاریخ الکبیر، تحقیق صلاح بن فتحی هلال، ج ۲، قاهره: الفاروق الحدیثیه،

ص ۱۴۷؛ محمد بن اسماعیل بخاری(۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، ج ۵، بیروت: صص ۱۷۰-۱۷۱؛ بخاری، همان، ج ۶، صص ۷۴-

۷۵؛ عمرو بن ابی عاصم(۱۴۱۱ق)، الاوائل، تحقیق محمود محمد محمود حسن نصار، بیروت: دار الجبیل، ص ۶۷؛

شاذان بن جبرئیل قمی(۱۳۸۱)، الفضائل، نجف: مکتبه الحیدریه، ص ۱۳۸؛ ابن شهر آشوب(۱۳۷۶ق)، همان، ج ۲، ص ۲۷۶.

او داستان مباحله و تفسیر جابر بر این که آیه مباحله در حق پنج تن آل عبا است^۱ و نیز ردّ تفکر منکرین شفاعت با تفسیر صحیح آیات قرآن و بیان شأن نزول آنها است.^۲

جابر را یکی از پرگوینده ترین احادیث رسول خدا(ص) و حافظ سنن نبوی برشمرده‌اند.^۳ احادیث او را ۱۵۴۰ حدیث شماره کرده‌اند.^۴ شمار احادیث مسند او در صحیح بخاری نود حدیث^۵ و صحیح مسلم ۱۸۴ حدیث است.^۶ احمد بن حنبل در مسند خود بیش از صد صفحه^۷ و ابن کثیر دو جلد از جامع المسانید (ج ۲۴ و ۲۵) خود را به روایات جابر اختصاص داده‌اند. موقعیت علمی او را با ابن عباس و عبدالله بن عمر چنان گفته‌اند که همانند آن دو، گروه زیادی از شاگردان اش همیشه دور او بوده و حرکت می‌کردند.^۸ به جز امام باقر (ع)،^۹ بسیاری از بزرگان تابعین، مانند عرو بن زبیر، سعید بن مسیب، ابو زبیر مکی، عطاء بن ابی رباح، مجاهد، شعبی و حسن بصری نیز از او روایت کرده‌اند.^{۱۰} علمای شیعه با عبارات مختلف در توثیق و جلالت او نیز سخن گفته‌اند.^{۱۱}

وفات جابر

صحابه‌نگاران گویند او در سن ۷۴ یا ۸۵ یا ۹۴ و ۹۷ سالگی در مدینه و در سال ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹ و یا ۹۹ در گذشت،^{۱۲} ولی مشهور، ۷۸ را سال وفات او دانسته‌اند و تصحیف «سبعین»

- ۱ احمد بن عبدالله ابونعیم (۱۴۰۶ق)، همان، صص ۳۵۳-۳۵۴؛ علی بن موسی بن طاووس (۱۳۹۹ق)، الطرائف فی معرفة الطوائف، قم: انتشارات خیام، ص ۴۶.
- ۲ ابن کثیر ابی‌تأ، همان، ج ۲، صص ۱۶۸-۱۶۹ و نیز ر.ک: ابن ابی‌عاصم (۱۴۱۳ق)، همان، ص ۳۹۰.
- ۳ ابن عبدالبر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن اثیر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۳؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد ابی‌تأ، تذکرة الحفاظ، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۴۳.
- ۴ علی بن احمد بن حزم (۱۴۱۲ق)، اسماء الصحابه، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۴۱؛ عبدالرحمن بن جوزی ابی‌تأ، تلخیص فہوم اهل الاثر، قاهره: مکتبة الآداب، ص ۶۳۶.
- ۵ احمد بن علی بن حجر (۱۴۰۸ق)، مقدمة فتح الباری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۴۷۵.
- ۶ ذهبی (۱۴۱۳ق)، همان، ج ۳، ص ۱۹۴.
- ۷ احمد بن حنبل ابی‌تأ، المسند، ج ۳، بیروت: دار صادر، صص ۲۹۲-۴۰۰.
- ۸ ابونعیم (۱۴۰۹ق)، همان، ج ۲، ص ۵۳۰.
- ۹ برای نمونه ر.ک: ابن ابی‌خثیمه (۱۴۲۴ق)، همان، ج ۲، صص ۲۰ و ۳۸؛ حمیری (۱۴۱۳ق)، همان، ص ۱۱۰.
- ۱۰ ابونعیم (۱۴۰۹ق)، همان، ج ۲، صص ۵۳۱-۵۳۳؛ ابوالحجاج یوسف مزنی (۱۴۱۴ق) تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق سهیل ذکار، ج ۴، بیروت: دار الفکر، صص ۴۴۴-۴۴۸؛ ابن اثیر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۳؛ ذهبی (۱۴۱۳ق)، همان، ج ۳، صص ۱۸۹-۱۹۰. فهرست راویان جابر را بنگرید: واتقی، حسین (۱۳۷۸ش)، صص ۸۱-۸۸.
- ۱۱ بنگرید: حلی (۱۴۰۲)، خلاصة الاقوال، ص ۳۴؛ عبدالله مامقانی (۱۴۲۴)، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محیی الدین مامقانی، ج ۱، قم: مؤسسه آل البیت، ص ۲۰۰.
- ۱۲ دینوری (۱۹۶۰م)، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، دار احیاء الکتب العربی، صص ۳۱۶ و ۳۲۸؛ ابن حبان (۱۴۱۱ق)،

به «تسعین» و خلط سال وفات و سن، از عوامل این اختلاف است.^۱ او را آخرین صحابی دانسته‌اند که در مدینه از دنیا رفت.^۲ بغوی،^۳ ابن قتیبه^۴ و ابن ابی عاصم^۵ این مطلب را رد کرده و آخرین فرد را سهل بن سعد ساعدی دانسته‌اند. ابونعیم^۶ و ذهبی^۷ نیز به اعتبار اصحاب عقبه او را آخرین صحابی در مدینه دانسته‌اند. مرگ او بر خلاف غالب صحابه‌نگاران، در مکه و قبا نیز نقل شده^۸ و قبر جابر را در بقیع گفته‌اند، اما فرزندان جابر خبر داده‌اند که او را در قبرستان بنو سلمه دفن کرده‌اند.^۹ این قبرستان واقع در غرب مدینه و دارای فضایی است.^{۱۰}

جایگاه جابر در دانش سیره نبوی

چنان که دانسته شد جابر افزون بر تخصص در علوم مختلف فقه، تفسیر و علوم قرآن و کلام و حدیث، روایات بسیار زیادی در سیره و مغازی رسول الله (ص) دارد که نه تنها نشان از تدریس و تخصص جابر در این زمینه دارد، بلکه به احتمال قریب به یقین باید وی دارای نوشته‌هایی در باب سیره نبوی بوده باشد که در ادامه دلایل این مطلب خواهد آمد. ابن عقیل^{۱۱} گوید: به همراه امام باقر (ع) نزد جابر می‌رفتیم و از اخبار رسول خدا (ص) جویا می‌شدیم و هر آنچه را می‌شنیدیم می‌نوشتیم.^{۱۲} دقت در برخی تعابیر سیره نویسان مانند واقدی نیز گویای تدریس او است. برای نمونه واقدی با «قال جابر» گویا نشان داده که از روی متن و دست نوشته‌ای گزارش جابر را آورده که سند

ص ۵۸؛ علی بن الحسین مسعودی (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب، ج ۳، قم: مؤسسه دارالهجره، ص ۱۱۵؛ ابن جوزی (بی‌تا)، همان، ص ۱۴۵؛ ابن عبدالبر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن اثیر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۴؛ ابن حجر (۱۴۱۵)، همان، ج ۱، ص ۵۴۷؛ خلیفه بن خیاط (۱۴۱۴)، همان، ص ۱۷۲؛ طوسی (۱۴۱۵)، همان، صص ۳۱-۳۲؛ بغوی (۱۴۲۱ق)، همان، ج ۱، ص ۴۴۷؛ ابونعیم (۱۴۱۹ق)، همان، ج ۲، ص ۵۳۰-۵۳۱.

۱ ابن عساکر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، صص ۲۳۸-۲۴۰.

۲ ابن عساکر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۲۳۹؛ ابن حجر (۱۴۱۵)، همان، ج ۱، ص ۵۴۶.

۳ بغوی (۱۴۲۱ق)، همان، ج ۱، ص ۴۴۷.

۴ ابن قتیبه (بی‌تا)، همان، صص ۳۰۷ و ۳۴۱.

۵ ابن ابی عاصم (۱۴۱۱ق)، الاحاد و المثانی، ج ۴، ص ۶۹.

۶ ابونعیم (۱۴۱۹ق)، همان، ج ۲، ص ۵۲۹.

۷ ذهبی (۱۴۱۳ق)، همان، ج ۳، ص ۱۸۹.

۸ جلال الدین سیوطی (۱۴۱۰ق)، اسعاف المبطأ فی رجال الموطأ، تحقیق موفق فوزی جبر، بیروت: دار الهجرة، ص ۲۳.

۹ ابن عساکر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۰ عمر ابن شبنه نمیری (۱۴۱۰ق)، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق حبیب محمود احمد، ج ۱، قم: دارالفکر، صص ۹۳-۹۴.

۱۱ عبدالله بن محمد، شرح حال او را بنگرید: ابوالحجاج یوسف مزی (۱۴۱۴ق)، ش ۳۵۴۳.

۱۲ بغوی (۱۴۲۱ق)، همان، ج ۱، صص ۴۴۴-۴۴۵.

نیاورده است.^۱ شاهد این مطلب روایات دیگری است که با سند از جابر در ابتدای ماجرای آورده، ولی در متن با «قال جابر...» مطالب را پی گرفته است. مانند ص ۳۹۵ - ۳۹۸. عبارت «فکان جابر یحدث»^۲ پس از ارائه دو سند به نقل از جابر نشان می‌دهد که جابر در حال تدریس بوده و آنان یا می‌شنیدند و یا می‌نوشتند و نیز مانند ص ۱۰۳۴، همین تعبیر را واقدی برای ابن عباس دارد.^۳

در میان راویان جابر در بخش گزارش‌های سیره نبوی شمار قابل توجهی از صحابه، فرزندان و نوادگان آنان هستند که گویای آگاهی فراوان جابر از حوادث و اخبار سیره بوده به طوری که مرجع و استادی برای صحابه و فرزندان و نوادگان آنان شده که خود و یا پدرانشان در حوادث و رویدادهای دوران رسالت بوده‌اند. علاوه بر این، برخی از راویان او از سیره گویان و سیره‌نویسان مشهورند که می‌توان شرحیل بن سعد، عاصم بن عمر بن قتاده و شعبی ابو عمر عامر بن شراحیل کوفی را نام برد.

گزارش‌های او در باره حوادث دوران رسالت جسته و گریخته نیست، بلکه همپای حوادث سیره به خصوص ده ساله مدینه، گزارش‌های مفصل و بلندی از وی نقل شده که نشان می‌دهد وی به این امر اشتغال کامل داشته است. بر خلاف آنچه شایع است که عرو بن زبیر و یا موسی بن عقبه مولی آل‌زبیر نخستین سیره نگار بوده و معرفی شده‌اند، باید گفت که جایگاه جابر بن عبدالله انصاری به عنوان شخصیت شناخته شده از اصحاب رسول خدا(ص) در میان طبقه صحابه جایگاه ممتاز و پیشگامی در عرصه سیره نبوی است.

مقایسه گزارش‌های جابر با صحابه و در مرحله بعد تابعین، به خوبی پیشگامی جابر و ممتاز بودن او را به عنوان یک متخصص سیره نبوی نشان می‌دهد. این تخصص، ناشی از سه امر است: صحابی و مدنی بودن جابر، وقوع حوادث ده سال عصر رسالت در مدینه و اطراف آن و حضور فعال جابر در حوادث و نیز دشمنی و تلاش مغرضانه حاکمان اموی و علمای همسو با آنان چون عروه، با بنی‌هاشم و انصار در عرصه سیره نبوی و مقابله انصار با این سیاست.

بنابراین در دو بخش سیره گویی و سیره‌نویسی، از نظر قدمت و اعتبار کسی به رتبه جابر نمی‌رسد حتی عایشه. بخش نخست یعنی سیره گویی از روایات او به خوبی آشکار است و بخش

۱ محمد بن عمر واقدی (۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، ج ۱، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ص ۲۶۶ و ۳۱۰ و ۳۲۹ - ۳۳۰ و ۳۳۶.

۲ واقدی (۱۴۰۹ق)، همان، ج ۱، ص ۴۷۱.

۳ همان، ج ۱، همان، ص ۴۷۴ و ۴۷۶.

دوم که شاید محل بحث باشد نیز روایات متعدد، حاکی و گویای داشتن نوشته‌هایی در سیره برای جابر است. این بحث را با نوشته‌های جابر و سپس مقایسه جابر با سیره گویان پی می‌گیریم.

صحیفه جابر

جابر از نویسندگان صحابه بوده و به نوشته‌های او تصریح شده است. مرحوم آیت الله میانجی در *مکاتیب الرسول* و نیز احمد عبدالرحمن الصویان و استاد محمدرضا جلالی برخی از اسنادی که این موضوع را کاملاً اثبات می‌کند آورده‌اند. این موضوع به طور خلاصه از منابع مزبور پی گرفته می‌شود.

عبدالرزاق صنعانی از معمر، خبر از صحیفه جابر بن عبدالله داده که نزد محدث مشهور قتاده بن دعامة (م ۱۱۷) بوده و از آن مطالبی نقل می‌کرده است.^۱ قتاده این کتاب را بر سعید بن مسیب عرضه کرده است.^۲ لیث بن سعد گوید: نزد ابوالزبیر آدمم و از او خواستم تا نوشته‌ها و کتاب‌های خود را به من نشان دهد او آن‌ها را حاضر کرد و من گفتم: آیا از جابر شنیده‌ای؟ و او این صحیفه را به من ارائه داد. بنا بر نقل عقیلی، ابوالزبیر دو کتاب از جابر برای لیث آورد. این صحیفه را دیگران نیز از جابر شنیده و نوشته‌اند.^۳

ابن ابی بشیر گوید: به ابوسفیان گفتم چرا تو مانند سلیمان یشکری^۴ از جابر روایت نمی‌گویی؟ گفت: برای این که سلیمان می‌نوشت، ولی من نمی‌نویسم. به همین دلیل، صحیفه جابر نزد او بود و قتاده بن دعامة نیز از سلیمان یشکری آن را نسخه برداری کرد.^۵ حتی صحیفه جابر نزد گروهی بوده و آن را بر قتاده و حسن بصری عرضه کرده و اجازه استفاده از آن را داده‌اند.^۶ با توجه به این که حسن بصری جابر را ندیده این گزارش به خوبی ثابت می‌کند که روایت «حسن عن جابر»

۱ ر.ک: مزی (۱۴۱۴ق)، همان، ج ۲۳، ص ۵۰۸.

۲ احمد عبدالرحمن الصویان (۱۴۱۰ق)، *صحائف الصحابه*، به کوشش سعدی الهاشمی مسفر الدمینی، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ص ۱۳۹.

۳ احمدی میانجی (۱۴۱۲ق)، همان، ج ۱، صص ۴۳۶ - ۴۳۷.

۴ سلیمان بن قیس یشکری بصری از محدثان که با جابر بن عبدالله انصاری هم نشین بود و از او حدیث می‌شنید و می‌نوشت. وی صحیفه جابر را نسخه برداری کرده است. وفات سلیمان را پیش از سال ۸۰ گفته‌اند. ر.ک: عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی (۱۳۷۱ق)، *الجرح والتعذیل*، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۱۳۶؛ ابن حجر (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر، ج ۴، ص ۱۸۸.

۵ ر.ک: مزی (۱۴۱۴ق)، همان، ج ۲۳، ص ۵۰۸.

۶ ترمذی (۱۴۰۲ق)، همان، ج ۲، ص ۳۸۸؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (۱۴۰۰ق)، *معرفة علوم الحدیث*، تحقیق سید معظم حسین، بیروت: دار الآفاق الجدیده، ص ۱۱۰؛ احمد بن علی خطیب بغدادی (۱۴۰۶ق)، *الکفایه فی علم الروایه*، تحقیق احمد عمر هاشم، بیروت: دار الکتاب العربی، ص ۳۹۲؛ احمدی میانجی (۱۴۱۲ق)، همان، ج ۱، ص ۴۳۸.

منظور، همان صحیفه جابر بوده است؛ یعنی از طریق وجاده. ابن ابی حاتم به این موضوع تصریح کرده و گوید: هر گاه (الحسن عن جابر) آمد منظور کتاب است.^۱

به هر حال عرضه صحیفه جابر بر دیگران به خوبی از انتشار صحیفه جابر نزد محدثان در دوره تابعین حکایت دارد که احمد عبدالرحمن الصویان ده تن از این افراد را نام برده است که علاوه بر قتاده و حسن بصری عبارتند از: ابوسفیان بن نافع اسکاف الواسطی، ابوالزبیر محمد بن مسلم بن تدرس قرشی، شعبی عامر بن شراحیل همدانی، ابوبشر، مطرف بن عبدالله شخیر، ثابت، مجاهد بن جبر و معمر بن راشد.^۲

ابن کثیر به این موضوع تصریح کرده و بیان می دارد که کان لجابر کتاب و صحیفه.^۳

مقایسه جابر با صحابه در عرصه دانش سیره نبوی

شناخت و تبیین نقش جابر در سیر تدوین و تطور سیره نگاری می تواند با مقایسه با سیره گوینان و سیره نویسان امکان پذیر باشد. افرادی که پس از او آمدند و روایات جابر و دیگران را جمع آوری کردند هر چند بیشتر بوده و این امر نیز بسیار بدیهی است، اما حتی با برخی از چنین افرادی که به عنوان متخصص سیره شناخته می شوند و دارای تألیف در این زمینه هستند می توان گفت روایات جابر بیشتر بوده است.

نخست باید توجه داشت که جابر از صحابه و در عصر صحابه تعریف می شود و این عصر همانطور که گفته اند حد اکثر تا سال ۱۰۰ بوده است. همین امر کافی است که نقش جابر در عرصه دانش سیره نبوی از جهت قدمت، اعتبار و کیفیت و کمیت اخبار از دیگران ممتاز باشد. شناخت و روایات آنان را در سه کتاب کهن سیره ابن هشام، مغازی واقدی و طبقات الکبری ابن سعد بررسی کرد.

با توجه به منع تدوین حدیث در میان صحابه، برخی را که به کثرت روایت و نیز داشتن دست نوشته هایی معرفی کرده اند اندک شمارند. احمد عبدالرحمن الصویان در کتاب صحائف الصحابه و نیز محقق فاضل معاصر جناب آقای سید محمدرضا جلالی در کتاب تدوین /

۱ احمد عبدالرحمن الصویان (۱۴۱۰ق)، همان، ص ۱۵۰.

۲ همان، صص ۱۳۸ - ۱۵۷.

۳ ابن کثیر [بی تا]، همان، ج ۲۴، ص ۹۶.

الشریفه پس از این بحث که غالب صحابه، موافق با منع تدوین نبوده‌اند افرادی را بر شمرده‌اند که مشغول به حدیث بوده و دیگران آن‌ها را می‌نوشته‌اند. و یا این که برخی از صحابه نیز احادیثی را که حفظ داشتند نوشته بودند. برخی از نوشته‌های آنان در زمان رسول الله و برخی دیگر پس از آن حضرت نوشته شده بود. این افراد علاوه بر امیر المؤمنین (ع) که پایه گذار و پرچمدار نهضت تدوین حدیث است عبارتند از:

أنس بن مالک (ت ۹۳ هـ)؛ معاذ بن جبل (ت ۱۸)؛ بن ربیع الکاتب (مات فی عصر معاوی)؛ أبوزر غفاری (ت ۳۲)؛ رافع بن خدیج الأنصاری (ت ۷۴)؛ أبو رافع المدنی، مولی رسول الله (ص) (ت ۳۵)؛ سعد بن عبادۀ خزرجی انصاری (ت ۱۵)؛ سلمان الفارسی (ت ۳۴)؛ براء بن عازب (ت ۷۲)؛ عا (ت ۵۷)؛ عبدالله بن عمرو بن عاص (ت ۶۳)؛ عییدالله بن اُبی رافع (بعد ۸۰)؛ علی بن اُبی رافع (القرن الأول)؛ کعب بن عمرو؛ أبوموسی الأشعری (ت ۵۰)؛ سهل بن اُبی خثمه مدنی (م میان سال‌های ۴۱-۶۰)، أبو هریر الدوسی (ت ۵۷ و ۵۹)؛ ابن عباس (م ۶۸)، سمر بن جندب^۱.

به جز عایشه، سهل بن اُبی خثمه و ابن عباس، در میان این افراد کسی که به تدریس و به خصوص، نوشتن سیره نبوی مبادرت کرده باشد شناخته شده نیست و دست نوشته‌های آنان جمع آوری روایاتی از رسول خدا (ص) در باب احکام و فقه و قضا است. تنها می‌دانیم که عییدالله بن اُبی رافع از جمله اصحابی است که به تدوین کتابی مبادرت کرده که در باره سیره نبوی و حوادث آن نیست، بلکه فهرستی از صحابه‌ای است که علی (ع) را در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان همراهی کرده‌اند. این کتاب با نام «من شهد مع امیر المؤمنین الجمل و صفین و النهروان من الصحابه» است که در جای خود بدان پرداخته شده است.^۲

روایات سهل بن اُبی خثمه نیز بسیار کم‌تر از جابر، بلکه قابل قیاس نیست. اما ابن عباس نیز هر چند به کثرت روایت شهره است اما در باب سیره نبوی روایات او بیشتر، حول تفسیر برخی آیات و بیان احکام است و ساختار سیره گویی مانند جابر را ندارد؛ هر چند که ابن عباس نیز در دایره اهل بیت و تشیع قرار می‌گیرد. مشکل دیگر ابن عباس سن پایین او (۱۳ ساله به هنگام وفات پیامبر) است که جابر چنین مشکلی ندارد و در حوادث عصر مدنی، حاضر بوده است.

۱ توضیحات مفصل درباره این دست نوشته‌ها را رک: احمد عبدالرحمن الصویان (۱۴۱۰ق)، همان، صص ۵۷-۲۱۵؛ سید محمدرضا جلالی (۱۴۱۸ق)، تدوین السنة الشریفه، [بی‌جا]: مکتبه الاعلام الاسلامی، صص ۲۰۹-۲۲۹.

۲ در این باره مقاله‌ای با عنوان «شیعه بنیانگذار دانش صحابه‌نگاری» به قلم اینجانب نوشته شده است. رک: محمدرضا هدایت‌پناه (۱۳۹۰)، شیعه بنیانگذار دانش صحابه‌نگاری، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ش ۴.

امتیاز روایات جابر بر عایشه

چنان که دانسته شد در میان صحابه رسول خدا(ص) به جز عایشه کسی چون جابر به تدریس اخبار سیره اشتغال نداشته است. اما در مقایسه‌ای میان جابر و عایشه و به تبع او عروه که از تابعین و راوی قریب به اتفاق روایات عایشه است می‌توان امتیازاتی برای جابر برشمرد.

قریب به اتفاق روایات عایشه از طریق عروه است. این موضوع در مقایسه با روایات جابر هم از جهت سند و هم از جهت محتوا قابل بررسی است. از جهت سند، عایشه به دلیل موقعیت خاص خود در مقایسه با جابر تفاوت قابل توجهی دارد.

نخست این که عایشه به دلیل سن کم و نیز زن بودن و به خصوص حکم خاص قرآنی به همسران پیامبر(ص) که بایستی در خانه‌های خود بمانند و کمتر در مجامع عمومی ظاهر شوند، نتیجه طبیعی این وضعیت خاص، این است که نمی‌توانسته در بسیاری از حوادث دوران مکه (به دلیل سن پایین) و دوران مدینه اعم از حوادث داخلی مانند حوادث مربوط به جنگ احزاب و حوادث بیرونی آن یعنی در غزوات و سرایه‌ها- به جز غزوهٔ مریسج و یا حج که همراه پیامبر بوده - شاهد عینی باشد. (۵۳) براین اساس اگر هم حوادثی را روایت کرده باشد به دلیل عدم حضور، روایات او مسند نخواهد بود. مانند اخبار مربوط به ازدواج پیامبر با خدیجه (۵۴)؛ اخبار در بارهٔ نجاشی که پس از مرگ همیشه بر قبرش نوری دیده شد (۵۵)؛ روایات او در بارهٔ معراج (۵۶)؛ شعار مهاجرین و انصار در بدر (۵۷) و گزارش‌های دیگر او در بارهٔ حوادث بدر. (۵۸) و آنچه در مکه پس از بدر اتفاق افتاد (۵۹) و اخباری دیگر. همین نکته یکی از اساسی‌ترین ایرادهای محقق معاصر علامه سید جعفر مرتضی عاملی در نقد روایات عایشه در سیره است مانند آنچه را که در بارهٔ ابتدای نزول وحی نقل کرده است.^۱

از جهت محتوا نیز با توجه به نکتهٔ پیشین و بر فرض قبول اصل معاملهٔ مراسیل صحابه مانند مسانید آنان،^۲ اما از نظر ماهیت موضوع، روشن است که گزارش خبر با واسطهٔ بیش از

۱ هر چند اهل سنت مراسیل صحابه یعنی آن دسته از احادیث صحابه را که سلسله سند کامل نیست و منقطع است را مانند مسانید (روایت مسند) آنان تلقی به قبول کرده‌اند، اما این قانون نمی‌تواند نقص اصلی را جبران نماید؛ یعنی عدم توازن روایت کسی که در حوادث حاضر نبوده در مقایسه با اعتبار حقیقی روایت کسی که خود شاهد حوادث بوده است. زیرا الشاهد یری ما لایری الغائب. اما این قانون از جهت اصل موضوع یعنی شاهد بودن عینی حوادث، دخلی ندارد و به هر حال «الشاهد یری ما لایری الغائب».

۲ توجیه آنان در این باره این است که صحابی از اصحاب دیگر نقل می‌کند نه تابعی و افراد دیگر. بنابراین اشکالی متوجه سند نخواهد بود. اما برخی این را رد کرده و گفته‌اند این مطلب مطلق نیست و صحابی از تابعی نیز حدیث نقل کرده است مگر

خبری که بدون واسطه، است احتمال خطا، تغییر و تحریف در آن راه دارد. در کنار این دو مورد، باید حب و بغض‌ها را ضمیمه کرد که در باره عایشه نسبت به امیرالمؤمنین (ع) امری ثابت و غیر قابل انکار است.^۱

بر خلاف دو مورد فوق، برای جابر بن عبدالله انصاری چنین موانعی نبوده است. وی به راحتی می‌توانسته در حوادث، شرکت و حضور مستقیم داشته و شاهد عینی باشد. از برخی روایات سیره که وی گزارش داده به خوبی چنین می‌نماید که جابر بر این امر توجه کامل داشته و به همین دلیل همراه امام علی (ع) در نبرد با عمرو بن عبود وارد میدان نبرد شده تا از نزدیک شاهد عینی ماجرا باشد.^۲ وی حتی در مواردی که حضور نداشته و یا خود از رسول خدا (ص) مطلبی را نشنیده سعی بلیغ بر آن داشته که خود را به راوی اصلی برساند تا بدون واسطه، آنچه را می‌خواسته از راوی اصلی و شاهد عینی جویا شود. روایات مرسل جابر، تنها یک روایت یافت شد که در باره ساخت کعبه است و ابن حجر احتمال داده که از عباس بن عبدالمطلب آن را نقل کرده^۳ و این مطلب نشان می‌دهد که هر چند با توجیهاتی، روایت مرسل صحابه مورد پذیرش قرار گرفته، اما اساساً این گونه روایات ضعیف بوده و به همین دلیل سعی بر آن است که آن‌ها را «مسند» نمایند. وی همچون محدثی آشنا به قواعد، راستگویی و امانت داری بدون حب و بغض را در نقل اخبار سیره رعایت کرده و شواهد متعدد و اعتماد سیره نویسان بعدی به تمام روایات جابر، گویای این مطلب است. مثلاً ابن اثیر ذیل حدیث «اهتر عرش الرحمن لموت سعد بن معاذ»، و ادعای برخی از خزرچی‌ها مبنی بر تحریف این حدیث از اصل آن یعنی «اهتر السریر...» گوید: جابر آن را ناشی از دشمنی این دو گروه دانسته است و با این که خود خزرچی است، اما نظر اوسیه‌ها را تأیید کرده است^۴ و این مطلب، تدین واقعی جابر و امانتداری او را در نقل حوادث و دفاع از حق نشان می‌دهد.

۱ این که خود تصریح کرده باشد که تنها از صحابی روایت نقل میکند. برای اطلاع بیشتر رک: احمد بن علی خطیب بغدادی (۱۴۰۶ق)، *الکفایه فی علم الروایه*، ص ۴۲۴؛ هاشم معروف الحسینی (۱۳۹۸ق)، *درسات فی الحدیث و المحدثین*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ص ۵۰.

۲ رک: محمدرضا هدایت پناه (۱۳۹۱)، *زبیریان و تدوین سیره نبوی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، شرح حال عروه و بخش منابع زبیریان.

۳ مفید (۱۴۱۳ق)، همان، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۲.

۴ احمد بن علی بن حجر ابی‌نا، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، بیروت: دار المعرفه للطباعة و النشر، ص ۱۱۱.

۵ ابن اثیر (۱۴۱۴ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۳.

همچنین به دلیل این که وی مدنی است و خود در حوادث مکی حضور نداشته است روایتی از او در موضوع سیره در این مقطع گزارش نشده است. حتی بنابر بر یک نظر، به دلیل عدم حضورش در بدر، تنها روایتی که از این غزوه نقل کرده مرسل نیست، بلکه روایت خود را به عبدالرحمن بن عوف مستند کرده است. این رویکرد تخصصی و امانت داری جابر را می‌توان از این جا به دست آورد که وی برای شنیدن حدیث قصاص که بن‌عامر جهنی و یا عبدالله بن انیس از پیامبر (ص) شنیده و در مصر ساکن شده بود به دست. برای این که خود، آن روایت را بشنود با خرید شتری بدان دیار مهاجرت و آن حدیث را اخذ کرد.^۱ از همین رو جابر بن عبدالله انصاری را باید از پیشگامان هجرت برای طلب حدیث برشمرد. کسب دانش حدیث برای او چنان اهمیت داشت که با این که خود از اصحاب پیامبر (ص) است؛ اما از بسیاری از صحابه نیز نقل حدیث کرده و بسیاری از بزرگان تابعین از جمله امام باقر (ع)،^۲ سعید بن مسیب، ابو زبیر مکی، عطاء بن ابی رباح، مجاهد، شعبی و حسن بصری نیز از او روایت کرده‌اند.^۳ ابن عقیل (عبدالله بن محمد)^۴ به فراگیری سیره نبوی از جابر به همراه امام باقر (ع) تصریح کرده که هر آنچه را می‌شنیدیم می‌نوشتیم.^۵ پس از بدر، جابر در بسیاری از حوادث مدینه و بیرون از مدینه حضور داشته و از نزدیک شاهد عینی حوادث بوده است و این امکان را برای او بوجود آورده تا مشاهدات خود را بدون واسطه روایت کند و موانع مربوط به عایشه را نداشته باشد. بررسی این دو مطلب از گزارش‌های این دو به خوبی معلوم است.

مقایسه جابر با تابعین و طبقه نخست سیره نگاران

راویان جابر در مجامع حدیثی اهل سنت بسیارند و فاضل معاصر حسین واثقی بالغ بر ۱۶۶ نفر را نام برده است. در میان این جمع، محدثان و ققه‌های مشهوری چون انس بن مالک، سعید بن مسیب، سلیمان بن مهران (اعمش)، طاووس بن کیسان، عرو بن زبیر، عطاء بن ابی رباح، قتاده و امام سجاد (ع) و

۱ ابن ابی عاصم (۱۴۱۱ق)، همان، ج ۴، ص ۷۹؛ سیوطی (۱۴۱۸ق)، همان، صص ۱۴۶-۱۴۵.

۲ برای نمونه رک: ابن ابی خیمه (۱۴۲۴ق)، همان، ج ۲، صص ۲۰ و ۳۸؛ حمیری (۱۴۱۳ق)، همان، ص ۱۱۰.

۳ بنگرید: ابونعیم (۱۴۱۹ق)، همان، ج ۲، صص ۵۳۳-۵۳۱؛ مزی (۱۴۱۴ق)، همان، ج ۴، صص ۴۴۸-۴۴۴؛ ابن اثیر (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱، ص ۴۹۳؛ ذهبی (۱۴۱۳ق)، همان، ج ۳، صص ۱۹۰-۱۸۹. فهرست راویان از جابر را بنگرید: واثقی (۱۳۷۸ش)، همان، صص ۸۸-۸۱.

۴ شرح حال او را بنگرید: مزی (۱۴۱۴ق)، همان، ش ۳۵۴۳.

۵ بغوی (۱۴۲۱ق)، همان، ج ۱، صص ۴۴۵-۴۴۴. احادیث او را ۱۵۴۰ حدیث شماره کرده‌اند. ابن حزم (۱۴۱۲ق)، همان، ص ۴۱؛ ابن جوزی (بی تا)، همان، ص ۶۳۶؛ ابن کثیر (بی تا)، همان، ج ۹، ص ۲۹؛ ذهبی (۱۴۱۳ق)، همان، ج ۳، ص ۱۹۴.

امام باقر(ع) وجود دارند. آنچه در بحث سیره مهم است دو نکته است:

نخست این که در میان راویان جابر، شمار قابل توجهی از صحابه، فرزندان و نوادگان آنان هستند که گویای آگاهی فراوان جابر از حوادث و اخبار سیره بوده به طوری که مرجع و اسنادی برای صحابه و فرزندان و نوادگان شده که خود و یا پدرانشان در حوادث و رویدادهای دوران رسالت بوده‌اند.

دوم این که برخی از راویان او از سیره‌گویان و سیره‌نویسان مشهورند که از افراد فوق‌الذکر می‌توان شرح‌بیل‌بن‌سعد، عاصم‌بن‌عمر بن‌قناده و شعبی ابوعمر عامر بن‌شراحیل کوفی را نام برد. اساساً منابع کهن و تحقیقات محققان، آغاز سیره‌نویسی را از اواخر عصر تابعین می‌دانند نه عصر صحابه؛ بنابراین جابر را باید پیشگام در عرصه سیره‌نویسی دانست. از میان تابعین تنها می‌توان به اصبع‌بن‌نباته و سلیمان‌بن‌قیس هلالی از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) و همچنین از عرو بن‌زبیر نام برد که اولاً هر دو نفر نخست، از شیعیان هستند و البته در سیره‌نوی نوشته‌هایی برای آنان برنشمرده‌اند. از این رو، باز جابر جایگاه ممتاز و خاص را خود را دارد، اما عروه (م ۹۲) به عنوان نخستین سیره‌نویس از میان تابعین شناخته می‌شود که در واقعه حرة نوشته‌های خود را از بین برد^۱ و در ادامه توضیحات لازم در باره مقایسه روایات جابر و عروه خواهد آمد.

مقایسه میان جابر و عروه هر چند مقایسه‌ای غیر عادلانه است، اما این مقایسه با سیره‌نویسان نخستین و بر اساس طبقه‌بندی احمد امین در ضحی‌الاسلام با طبقه نخست سیره‌نگاران که عروه یکی از آنان است تا سال ۱۲۳ (یعنی سال وفات شرح‌بیل‌بن‌سعد مدنی) جایگاه جابر را بهتر نمایان خواهد کرد. این سیره‌نویسان عبارتند از: سعید بن‌سعد بن‌عباده، سهل بن‌ابی‌خثیمه مدنی (م حکومت معاویه ۴۱-۶۰)، سعید بن‌مسیب (م ۹۴)، عرو بن‌زبیر (م ۹۴)، عبیدالله بن‌کعب بن‌مالک انصاری (م ۹۷)، عامر بن‌شراحیل (م ۱۰۳)، ابان بن‌عثمان بن‌عفان (م ۱۰۵)، قاسم بن‌محمد بن‌ابی‌بکر (م ۱۰۷)، وهب بن‌منبه (م ۱۱۰)، عاصم بن‌عمر بن‌قناده مدنی (م ۱۲۰)، شرح‌بیل‌بن‌سعد مدنی (م ۱۲۳).

تمام این افراد نه تنها صحابی نیستند، بلکه به جز چهار مورد نخست، از صغار تابعین هم نمی‌باشند و در شمار کبار تابعین و اتباع تابعین شمرده می‌شوند. از مجموع اسامی فوق‌چنان که گفته شد برخی بر آنند که عروه نخستین سیره‌نویس بود و برخی دیگر موسی بن‌عقبه (م ۱۴۱) را که در طبقه سوم سیره‌نویسان است پیشگام می‌دانند.^۲

۱. رک: محمدرضا هدایت پناه (۱۳۹۱)، *زبیریان و تدوین سیره‌نوی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*، صص ۴۱-۴۶.

۲. رک: همان.

مقایسه جابر با افراد فوق الذکر هر چند با توجه به تفاوت طبقه میان او و دیگران، اثری در اثبات مدعا ندارد و خارج از موضوع می‌تواند تلقی شود، اما برای شناسایی جایگاه او در دانش سیره نبوی حائز اهمیت است. با بررسی انجام شده میان روایات این افراد در مقایسه با جابر در سه کتاب اصلی و کهن سیره یعنی سیره ابن هشام و مغازی و طبقات ابن سعد (ج ۲ و ۱) نشان داد که هیچ کدام - به جز عرو - به اندازه جابر روایت نقل نکرده است. عروه نیز یک استثنا به شمار می‌رود که البته علت بیرونی داشته و با این حال از جهتی دیگر تفاوت‌هایی میان روایات جابر و عروه وجود دارد که توضیح آن در ادامه خواهد آمد. بنابراین امتیاز و برتری جابر حتی در مقایسه با دو طبقه پس از خود همچنان به قوت خود باقی است.

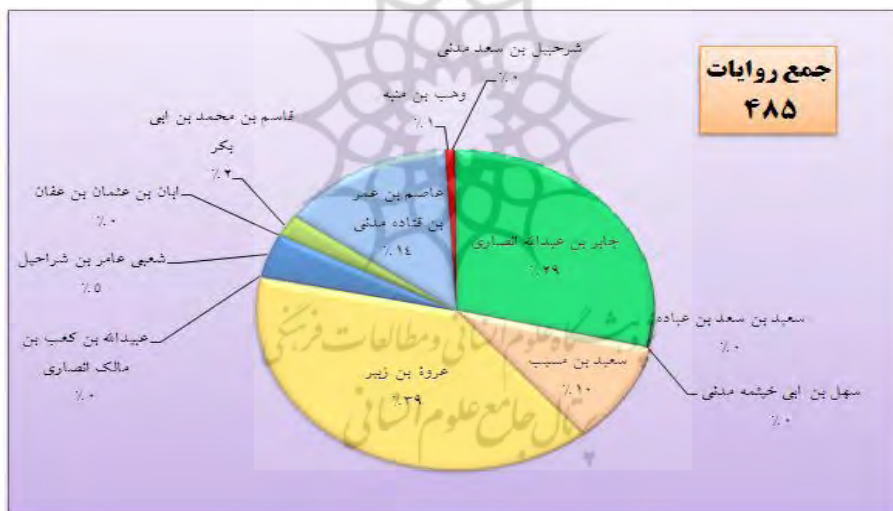
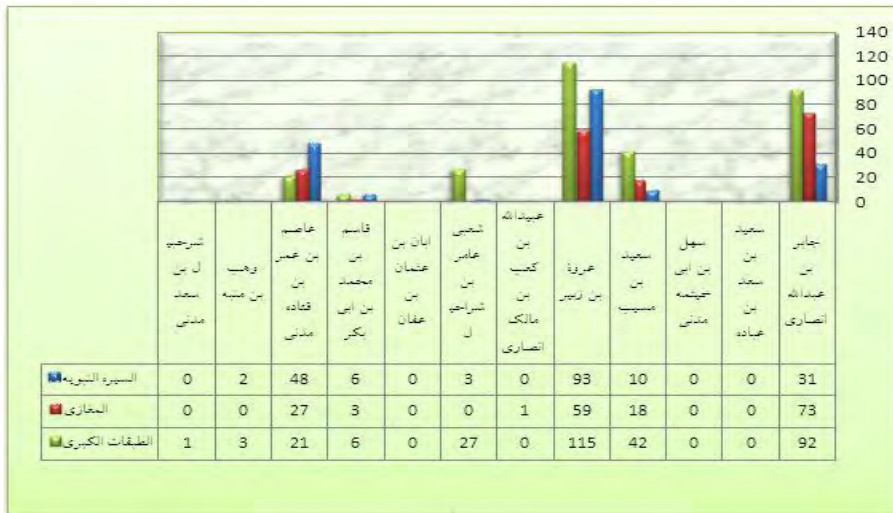
جدول ذیل آمار روایات جابر را در مقایسه با افراد مذکور در سه کتاب نشان می‌دهد.

ردیف	نام	السیره النبویه	المغازی	الطبقات الکبری	جمع روایات
۱	جابر بن عبدالله انصاری	۳۱	۷۳	۹۲	۱۹۶
۲	سعید بن سعد بن عبادہ ^۱	۰	۰	۰	۰
۳	سهل بن ابی خثیمه مدنی	۰	۰	۰	۰
۴	سعید بن مسیب ^۲	۱۰	۱۸	۴۲	۷۰
۵	عرو بن زبیر	۹۳	۵۹	۱۱۵	۲۶۷
۶	ابو فضاله عبیدالله بن کعب بن مالک انصاری ^۳	۰	۱ ^۴	۰	۱
۷	شعبی عامر بن شراحیل ^۵	۳	۰	۲۷ ^۱	۳۰

- سعید بن سعد بن عبادہ خزرجی فرزند صحابی مشهور و بزرگ قبیله خزرج و برادر قیس بن سعد بن عبادہ. گفته شده پیامبر را درک کرده و حتی از او حدیث شنیده است. با این که گفته‌اند که روایات کمی نقل کرده است، اما دارای مغازی بوده که نسخه‌ای از آن نزد نبیره‌اش یعنی سعید بن عمرو بن شرحبیل بن سعید بوده است. گفته‌اند که شرحبیل نیز از مغازی نویسان نخست بوده است. رک: ابن سعد، همان، ج ۵، ص ۸۰؛ شافعی (بی تا)، کتاب المسند، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۴۹؛ ابن حجر عسقلانی (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، ج ۴، بیروت: دار الفکر، صص ۶۱-۶۲؛ فؤاد سزگین (۱۴۱۲ق)، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء دوم (التدوین التاريخی)، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ص ۶۵.
- وی نسب شناس، مورخ، فقیه و معروف به سید التابعین است. سعید در سال ۹۴ وفات کرد. رک: سزگین، همان، ج ۱، جزء دوم (التدوین التاريخی)، ص ۶۷.
- ابن سعد ضمن توثیق او نوشته که عبیدالله بن کعب روایت کم گفته است (نقه للیل الحدیث). ابن سعد (۱۴۱۰ق)، همان، ج ۵، ص ۲۰۹.
- واقدی (۱۴۰۹ق)، همان، ج ۱، ص ۲۳۶.
- ابوعمر و عامر بن شراحیل الشعبی (م ۱۰۳) ولد بالكوفه سنة ۱۹ فیما بعد اتصل عبدالملک بن مروان. کان محدثاً و عالماً فی الفقه و المغازی. سزگین (۱۴۱۲ق)، التدوین التاريخی، صص ۶۸-۶۹.

ردیف	نام	السیره النبویه	المغازی	الطبقات الكبرى	جمع روایات
۸	ابان بن عثمان بن عفان ^۲	۰	۰	۰	۰
۹	قاسم بن محمد بن ابی بکر ^۳	۶	۳ ^۴	۶ ^۵	۱۵
۱۰	عاصم بن عمر بن قتاده مدنی ^۶	۴۸ ^۷	۲۷ ^۸	۲۱ ^۹	۹۶
۱۱	وهب بن منبه ^{۱۰}	۵۲	۰	۵۳	۵
۱۲	شرحییل بن سعد مدنی ^{۱۱}	۰	۰	۵۱	۱

- ۱ ابن سعد (۱۴۱۰ق)، همان، ج ۱، ص ۲۱، ۳۰، ۱۱۱، ۱۳۰، ۲۰۲ (دو روایت)، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۷۹، ۳۰۷ (دو روایت)، ۳۶۰ و ج ۲، ص ۱۶، ۳۴، ۸۰، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱.
- ۲ ابان بن عثمان بن عفان (م ۹۶) و هو من أقدم من ألقوا كتباً في المغازی. فؤاد سزگین (۱۴۱۲ق)، همان، صص ۶۹-۷۰. و نیز رک: هوروفتس (۱۴۲۱ق)، *المغازی الاولی و مؤلفوها*، قاهره: مکتبه الخانجی، صص ۱۹-۲۱.
- ۳ ابو محمد القاسم بن محمد بن ابی بکر (م ۱۰۷) کان فی عصره عالماً عظیماً مثل عروة. سزگین (۱۴۱۲ق)، همان، ص ۷۲.
- ۴ واقدی (۱۴۰۹ق)، همان، ج ۱، صص ۳۹۶، ۵۵۰، ۷۲۰.
- ۵ ابن سعد (۱۴۱۰ق)، همان، ج ۱، صص ۳۶۰، ۳۶۳ و ج ۲، صص ۱۶۹، ۱۷۴، ۲۱۶، ۲۵۵.
- ۶ عاصم بن عمر بن قتاده بن نعمان (م ۱۲۰). کان عاصم بن عمر من العلماء بالسیره و غیرها... و كانت له رواية للعلم و علم بالسیره و المغازی رسول الله (ص). ابن سعد (۱۴۱۰ق)، همان، ج ۵، ص ۳۳۶. کان عالماً مشهوراً بالمغازی و امره الخلیفة عمر بن عبدالعزیز بان یقرأ فی الجامع الاموی قصص المغازی و مناقب الصحابة. سزگین (۱۴۱۲ق)، همان، ص ۷۳.
- ۷ ابن هشام [بی تا]، همان، ج ۱، صص ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۱، ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۳۴، ۴۴۶، ۵۰۷، ۵۲۴، ۵۲۵ (دو روایت)، ۵۴۱، ۵۸۴، ۶۰۶، ۶۲۷، ۶۴۳ و ج ۲، صص ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۶۰، ۶۷، ۸۲، ۸۷، ۸۸ (دو روایت)، ۱۲۲، ۱۶۹، ۱۷۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۴۰، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۲، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۹۸، ۵۰۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۳، ۶۲۱.
- ۸ واقدی (۱۴۰۹ق)، همان، ج ۱، صص ۵۹، ۷۵، ۶۳، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۰۹، ۲۵۱ و ج ۲، صص ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۳، ۴۴۷، ۵۱۵، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۷۲، ۷۳۳، ۷۶۱ (دو روایت)، ۱۰۲۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱.
- ۹ ابن سعد (۱۴۱۰ق)، همان، ج ۱، صص ۹۳، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۲۱، ۲۶۲، ۳۳۷، ۳۵۰ و ج ۲، صص ۴۲، ۴۳، ۱۷۴، ۱۹۳، ۱۹۶.
- ۱۰ در یمن متولد شده و حجاز را هم دیده است. ولی بیشتر زندگی خود را در یمن گذرانده است. یاقوت حموی او را از برگزیدگان تابعین و مردی راستگو و مورد اعتماد می‌داند که از کتاب‌های قدیمی معروف به اسرائیلیات فراوان نقل کرده است. یاقوت، *معجم الادباء*، ج ۱۹، ص ۲۵۹. ابن ندیم تألیف کتابی بنام *کتاب‌المبتدأ* را به او نسبت می‌دهد و اشاره می‌کند که میان این کتاب و بخش اول سیره‌ای که ابن اسحاق تألیف کرده است شباهت وجود دارد. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۲۸. فقط مقدار بسیار کمی از اخبار پیامبر (ص) به وسیله وهب بن منبه به ما رسیده است. ابن اسحاق در بخش اول سیره خود مطالبی از وهب بن منبه نقل می‌کند. در حالی که واقدی هیچ اشاره‌ای به وهب ندارد و از او نامی هم نبرده است. واقدی (۱۳۶۹ش)، *مغازی*، تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ج ۲، مقدمه، ص ۲۴.
- ۱۱ شرحییل بن سعید (م ۱۲۳) کان احد المؤلفین الاوائل فی میدان المغازی... و عده سفیان بن عیینة (م ۱۹۸) احسن من عرف المغازی سزگین (۱۴۱۲ق)، همان، ص ۷۲.



از جمع روایات سعید بن مسیب که ۱۸ روایت است ۱۵ روایت مرسل است و سه روایت دیگر را از ابوبکر، جبر بن مطعم و حکیم بن حزام نقل کرده است، اما با توجه به سال تولد وی که حداقل دو سال بعد از خلافت عمر را گفته اند^۱ قطعاً روایت از ابوبکر نیز مرسل بوده است.

۱ ابن سعد (۱۴۱۰ق)، همان، ج ۵، ص ۹۰. نقل دیگر این است که وی دو سال پیش از مرگ عمر به دنیا آمد. رک: همانجا.

روایات شعبی نیز مانند سعید بن مسیب، قریب به اتفاق آن مرسل است و سه مورد از مسروق و در یک مورد از مغیر بن شعبه و در یک مورد دیگر از عرو بن مضر است. نفر آخر مجهول است و مسروق و مغیره نیز از دشمنان امیرالمؤمنین هستند چنان که خود شعبی نیز چنین است. در باره وهب بن منبه که بنا به گفته یاقوت حموی از کتاب‌های معروف به اسرائیلیات فراوان نقل کرده است^۱ در این‌جا نیز تنها روایات او در سیره ابن‌هشام درباره نجران و گسترش مسیحیت در آن‌جا است. منبع اصلی دو روایت او در طبقات نیز جابر بوده که در باره حدیبیه و عام الفتح است.

جابر و عرو بن زبیر

درباره نقش خاندان زبیر در تدوین سیره نبوی به طور مستقل بحث و بررسی و زوایای مختلف این موضوع تشریح شده است.^۲ آنچه در ارتباط با جابر و عروه قابل پیگیری است تفاوت‌های درونی و بیرونی میان این دو از نظر جایگاه سیره‌نگاری است. از نظر کمی میان جابر و عروه تنها ۷۱ روایت است که البته باید در این آمار، موارد ذیل را کاملاً توجه داشت.

نخست این که موقعیت سیاسی انصار به طور عموم و جابر به طور خصوص نسبت به عروه تفاوت آشکاری دارد. تلاش امویان در سرکوب انصار به گونه‌های مختلف و شیعیان امیرالمؤمنین (ع) فضای سیاسی را بر آنان تنگ می‌گرفت و بیان حوادث به سادگی نبود؛ ولی عروه نه تنها این مشکل را نداشته، بلکه بر اساس منابع و گزارش‌های تاریخی، عروه از اعوان و انصار امویان و در خدمت آنان بوده است.^۳

مطلب دیگر این که منبع اصلی روایات عروه در بخش سیره نبوی کسی جز عایشه نیست و حتی منبع اصلی روایات مرسل او نیز عایشه بوده است.^۴ افراد دیگر نیز که موارد آن بسیار اندک است یا به نوعی از خویشاوندان زبیری هستند و یا تنها یک روایت دارند از جمله جابر.^۵ بر این

۱ ابن‌نذیم تألیف کتابی بنام کتاب‌المبتدأ را به او نسبت می‌دهد و اشاره می‌کند که میان این کتاب و بخش نخست سیره‌ای که ابن‌اسحق تألیف کرده است شباهت وجود دارد. فقط مقدار بسیار کمی از اخبار پیامبر (ص) به وسیله وهب بن منبه به ما رسیده است. اخیراً قسمت کوچکی از این مطالب که بر روی کاغذهای قدیمی مصری نوشته شده‌اند در مجموعه اسکات رینهارت [tdrahnieRttohSi] به دست آمده است که بیعت عقبه در آن ثبت است. ابن‌اسحق در بخش اول سیره خود مطالبی از وهب بن منبه نقل می‌کند. ر.ک: محمد بن عمرو اقدی (۱۳۶۹ش)، مغازی تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص)، تحقیق ماسدن جونز، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ ۲، مقدمه محقق، ص ۲۳.

۲ هدایت پناه (۱۳۹۱)، همان‌جا.

۳ برای اطلاع بیشتر در باره مناسبات زبیریان با امویان و شخص عروه ر.ک: هدایت پناه (۱۳۹۱)، همان، صص ۴۱-۴۶ و ۶۲-۷۰.

۴ ر.ک: هدایت پناه (۱۳۹۱)، همان، ص ۱۲۹.

۵ همان، صص ۱۱۲ و ۱۳۴.

اساس با توجه به موقعیت سیاسی و فکری عایشه و ضدیت او و زیریان با اهل بیت (ع) از یک سو^۱ و مرسل بودن خود روایات عایشه که از جهت حدیثی، اشکالی بر روایات او است^۲ تقیصه اصلی روایات عروه را در قیاس با جابر که خود شاهد قریب به اتفاق حوادث بوده به خوبی نشان می‌دهد و از این حیث روایات جابر در سیره بسیار بیشتر مورد اعتمادند و از جایگاه علمی برخوردارند. علاوه بر دو مطلب مذکور باید توجه به این نکته نیز داشت که گزارش‌های جابر در باره حوادث مدنی که غالباً مغازی و سرایا هستند آن گونه که واقدی و ابن هشام آورده گزارش‌های طولانی و بلندی است و از نظر کمیت حجم بالایی را به خود اختصاص داده است.

موضوعات و روایات سیره به روایت از جابر

چنان که اشاره شد جابر به اقتضای سن خود از زمان پیمان عقبه تا آخرین لحظات، در حوادث مهم مختلف حضور فعال داشته و آن‌ها را گزارش کرده است. این موضوعات که به ۶۱ عنوان می‌رسد از حوادث بدر تا ماجرای درخواست پیامبر برای آوردن دوات برای وصیت آخرش است. این اخبار و افرادی که آن‌ها را از جابر روایت کرده‌اند به قرار زیر اند:

الف. غزوات

غزوه بدر

۱. بعض اخبار بدر ص ۸۷ عامر بن عثمان عن جابر قال اخبرني عبدالرحمن بن عوف
۲. بعض اخبار بدر ص ۱۱۷ عبدالله بن مقسم عن جابر
۳. غزوة احد
- سریة قتل کعب بن الاشرف
۴. حدثني عبدالحميد بن جعفر، عن يزيد بن رومان، و معمّر، عن الزهري، عن ابن كعب بن مالك، و ابراهيم بن جعفر، عن أبيه، عن جابر بن عبدالله؛ فكل قد حدثني بطا ، فكان الذي اجتمعوا لنا عليه قالوا: (...) روایت طولانی است.
۵. قتل ابن الاشرف. ابراهيم بن جعفر عن ابيه عن جابر. تمام داستان
۶. بعض اخبار احد. عبدالله بن محمد بن عقيل قال: سمعت جابر بن عبدالله يقول.
۷. بعض اخبار احد. قال جابر

۱ همان، صص ۱۰۰-۱۰۸ و ۱۱۲ و ۷۲-۷۵.

۲ همان، ص ۱۲۲.

۸. بعض اخبار احد. كان طلحه بن عبيد الله و ابن عباس و جابر يقولون

۹. بعض اخبار احد. قال جابر

۱۰. غزوه حمراء الاسد. قال جابر

غزوة ذات ارقاع

۱۱. بعض اخبار غزه ذات الرقاق. ابى الحسن عن جابر غزوه ذات الرقاق

۱۲. بعض اخبار غزه ذات الرقاق. ابى الزبير عن جابر

۱۳. بعض اخبار غزه ذات الرقاق. حسن عن جابر

۱۴. بعض اخبار غزه ذات الرقاق. وهب بن كيسان عن جابر. روايت طولاني است.

۱۵. بعض اخبار غزه ذات الرقاق. عقيل بن جابر عن جابر

۱۶. غزه ذات الرقاق. زيد بن اسلم عن جابر و نيز وهب بن كيسان عن جابر و ابى نعيم عن جابر و

اسماعيل بن عطيه بن عبدالله بن انيس عن ابيه عن جابر. تقريبا تمام خبر اين غزوه را گفته است.

غزوة مريسيع (بنى المصطلق)

۱۷. بعض اخبار مريسيع. خار بن الحارث عن عباس بن سهل عن جابر

۱۸. بعض اخبار مريسيع. عبدالله بن جعفر بن مسلم عن ابى عتيق عن جابر (دو صفحه)

غزوة احزاب (خندق)

۱۹. بعض اخبار احزاب. فكان مما بلغنى ان جابر بن عبدالله يحدث

۲۰. بعض اخبار احزاب. سعيد بن مينا عن جابر بن عبدالله

۲۱. بعض اخبار احزاب. محمود بن عبدالرحمن بن عمرو بن الجموح عن جابر بن عبدالله.

۲۲. بعض اخبار احزاب. ابن ابى سبره عن الفضل بن مبشر عن جابر

۲۳. بعض اخبار احزاب. محمد بن ابراهيم بن الحارث عن جابر

۲۴. بعض اخبار احزاب. خار بن حارث عن ابى عتيق السلمى عن جابر

۲۵. بعض اخبار احزاب. فكان جابر يحدث

۲۶. بعض اخبار احزاب. عبيد الله بن مقسم عن جابر

۲۷. بعض اخبار احزاب. عبدالرحمن بن عبدالله بن كعب بن مالك عن جابر

۲۸. بعض اخبار احزاب. عبدالرحمن بن عبدالله بن كعب بن مالك عن جابر

غزوة بنى قريظه

۲۹. بعض اخبار بنى قريظه. عبيد الله بن مقسم عن جابر

٣٠. بعض اخبار بنی قریظه. ابی سعید عن جابر

٣١. بعض اخبار بنی قریظه (مرگ سعد بن معاذ). عبدالرحمن بن جابر عن ابيه

غزوة بنی لحيان

٣٢. بعض اخبار غزوة بنی لحيان. فكان جابر بن عبدالله يقول.

٣٣. بعض اخبار حديبيه. كان جابر بن عبدالله يقول.

٣٤. بعض اخبار حديبيه. كان جابر بن عبدالله يقول

٣٥. بعض اخبار حديبيه. في قول جابر بن عبدالله

غزوة حديبيه (صالح حديبيه)

٣٦. بعض اخبار حديبيه. ابی الزبير عن جابر

٣٧. بعض اخبار حديبيه. ابی الزبير عن جابر

٣٨. بعض اخبار خيبر. عمرو بن دينار عن جابر بن عبدالله الانصاري و لم يشهد جابر خيبر.

٣٩. بعض اخبار حديبيه. عبدالله بن سهل بن عبدالرحمن بن سهل اخو بنی حار عن جابر بن عبدالله.

غزوة خيبر

٤٠. خيبر. محمد بن فضيل عن ابيه عن جابر (مبارزات طولاني)

٤١. خيبر. ابن ابی سبره عن الفضيل بن مبشر عن جابر

٤٢. خيبر. ابن ابی سبره عن اسحاق بن عبدالله عن عبدالرحمن بن جابر عن ابيه (دو صفحه)

٤٣. عمر القضا. ابن ابی سبره عن موسى بن ميسره عن جابر

٤٤. سريه موته. ابن عقيل عن جابر

٤٥. سريه الخبَط اميرها ابو عبيدة بن جراح. حدثني مالك بن انس، عن وهب بن كيسان، عن

جابر بن عبدالله:

٤٦. سر الخبَط اميرها ابو عبيد بن جراح. ابن ابی ذئب عن ابيه عن جابر بن عبدالله:

غزوة مكة

٤٧. فتح مكة. أخبرنا عبدالله بن الزبير الحميدي، أخبرنا سفيان بن عرو عن هشام عن (تصحيح بن)

عرو عن ابيه عن جابر.

٤٨. بعض اخبار فتح مكة. ابی جعفر عن جابر

٤٩. بعض اخبار فتح مكة. بشير مولى المازنيين عن جابر

٥٠. بعض اخبار فتح مكة. شيخ من خزاعه عن جابر

غزوة حنین

۵۱. بعض اخبار حنین. عاصم عن عبدالرحمن بن جابر عن جابر
۵۲. بعض اخبار غزوه اکیدر بن عبدالملک. قال أنس بن مالک، و جابر بن عبدالله... (روایت طولانی است).
- غزوة اکیدر بن عبدالملک
۵۳. بعض اخبار غزوه اکیدر بن عبدالملک (اکیدر نام شخصی است و این غزوه به نام او ثبت شده است). عاصم عن عبدالرحمن بن جابر عن جابر
- غزوة تبوک
۵۴. بعض اخبار تبوک. کان جابر بن عبدالله يحدث يقول
- ب. سربیه‌ها و حوادث**

۵۵. سربیه قتل کعب بن الاشرف
۵۶. حدثنی عبدالحمید بن جعفر، عن یزید بن رومان، و معمر، عن الزهری، عن ابن کعب بن مالک، و ابراهیم بن جعفر، عن ابيه، عن جابر بن عبدالله؛ فکل قد حدثنی بطا ، فكان الذى اجتمعوا لنا علیه قالوا: (...) روایت طولانی است.
۵۷. قتل ابن الاشرف. ابراهیم بن جعفر عن ابيه عن جابر. تمام داستان
۵۸. عمر القضا. ابن ابی سبره عن موسى بن میسره عن جابر
۵۹. سربیه موته. ابن عقیل عن جابر
۶۰. سر الخبیط امیرها ابو عیید بن جراح. حدثنی مالک بن أنس، عن وهب بن کیسان، عن جابر بن عبدالله:
۶۱. سربیه الخبیط امیرها ابو عیید بن جراح. ابن ابی ذئب عن ابيه عن جابر بن عبدالله:
۶۲. اصحاب عقبه. داود بن الحصین عن عبدالرحمن بن جابر عن ابيه
۶۳. عمل پیامبر با جسد عبدالله بن ابی. کان جابر بن عبدالله يقول خلاف هذا
۶۴. روایت احرام علی (ع) به نیت پیامبر (ص). جعفر بن محمد عن ابيه عن جابر
۶۵. أمر الشا المسمو . قال جابر: ... فتوفی رسول الله صلى الله عليه وآله شهيداً.

منابع و مأخذ

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن (١٣٧١ق)، الجرح و التعديل، بيروت: دار احياء التراث العربی.
- ابن ابی خيثمه، ابوبکر احمد (١٤٢٤ق)، التاريخ الكبير، تحقيق صلاح بن فحی هلال، قاهره: الفاروق الحديثه.
- ابن ابی عاصم عمرو (١٤١١ق)، الآحاد و المتانی، تحقيق باسم فيصل احمد جوايره، [بی جا]: دار الدرايه.
- (١٤١١ق)، الاوائل، تحقيق محمود محمد محمود حسن نصار، بيروت: دار الجیل.
- (١٤١٣ق)، کتاب ، تحقيق محمد ناصرالدين البانی، بيروت: المكتب الاسلامی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (١٤١٥ق)، اسد الغابه فی الصحابه، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بيروت: دار الکتب العلمیه.
- (١٣٦٤ش افسست)، النهايه فی غریب الحديث، تحقيق طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناخی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن بابویه قمی علی [بی تا]، الامامه و التبصره، قم: مدرسه الامام المهدي.
- ابن حبان، محمد (١٣٩٣)، کتاب الثقات، حیدر آباد هند: مؤ الکتب الثقافه.
- (١٤١١ق)، مشاهیر علماء الامصار، تحقيق مرزوق علی ابراهیم، [بی جا]: دار الوفاء.
- ابن حجر، احمد بن علی [بی تا]، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بيروت: دار المعرفه للطبا و النشر.
- (١٤٠٨ق)، مقدمه فتح الباری، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- (١٤١٥ق)، الاصابه فی تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بيروت: دار الکتب
- ابن حزم، علی بن احمد (١٤١٢ق)، اسماء الصحا الروا ، تحقيق سيد كسروی حسن، بيروت: دار الکتب
- (١٤١٥ق)، اصحاب الفتناء من الصحابه و التابعین، تحقيق سيد كسروی حسن، بيروت: دار الکتب
- ابن سعد، محمد (١٤١٠ق)، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الکتب
- ابن شبه نمیری، عمر (١٤١٠ق)، تاریخ المد المنوره، تحقيق حبيب محمود احمد، ج ١، قم: دارالفکر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (١٤٠٤ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقيق علی اکبر غفاری، قم: مؤ النشر الاسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (١٤١٤ق)، اقبال الاعمال، تحقيق جواد القیومی الاصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- (١٣٩٩ق)، الطرائف فی معرف الطوائف، قم: خیام.
- (١٤١٣ق)، التحصین لاسرار ما زاد من اخبار کتاب الیقین، تحقيق الانصاری، قم: مؤسسه دار الکتب الجزائری.
- (١٤١٣ق) الیقین، تحقيق الانصاری، قم: مؤسسه دار الکتب.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (١٤١٥ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بيروت: دار الکتب
- ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله (١٤١٦ق)، فتوح مصر و اخبارها، تحقيق محمد الحجیری، بيروت: دارالفکر.
- ابن عساکر، علی بن الحسن (١٤١٥ق)، تاریخ مد دمشق، تحقيق علی شیری، بيروت: دار الفکر.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۳ق)، الاما و السياسه، تحقیق علی شیری، ج ۱، قم: منشورات شریف رضی.
- [بی تا]، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: دار المعارف.
- ابن قدامه مقدسی عبدالله [بی تا]، المغنی، تحقیق جما من العلماء، ج ۵، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل [بی تا]، جامع المسانید و السنن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن هشام عبدالملک [بی تا]، السیر النبویه، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن یونس، عبدالرحمان (۱۴۲۱ق)، تاریخ المصریین، عبدالفتاح فتیح عبدالفتاح، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن [بی تا]، تلخیص فہوم اهل الاثر، قاهره: الآداب.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۳۷۶ق)، مناقب آل اُبی طالب، تحقیق من اساتذ النجف الاشرف، نجف: الحیدریہ.
- ابو نعیم، احمد بن عبدالله (۱۴۰۶ق)، دلائل النبوه، تحقیق محمد رواس قلعه جی و عبدالبر عباس، بیروت: دار الفائس.
- [۱۴۱۹ق]، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، ریاض: دار الوطن للنشر.
- احمد بن حنبل [بی تا]، المسند، بیروت: دار صادر.
- احمد عبدالرحمن الصویان (۱۴۱۰ق)، صحائف الصحابه، به کوشش سعدی الهاشمی مسفر الدمینی، [بی جا]: [بی تا].
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۲ق)، مکاتیب الرسول، تهران: دار الحدیث.
- اشعری قمی، احمد بن محمد (۱۴۰۸ق)، النوادر، قم: مؤسسۃ الامام المہدی (ع).
- امام سجاد علی بن الحسین (ع) (۱۴۱۱ق)، تحقیق محمد باقر موحد ابطحی، قم: مؤسسۃ الامام المہدی (ع) و مؤسسۃ الانصاریان.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، أعیان الشیعہ، ج ۴، بیروت: دار التعارف.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ق)، الغدیر، بیروت: دار الکتب العربی.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۷)، تاریخ تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسۃ امام خمینی (ره).
- باجی، سلیمان بن خلف [بی تا]، التعدیل و التجریح، تحقیق احمد البزار، ج ۱، مراکش: وزار الاوقاف.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
- [بی تا]، التاریخ الکبیر، تحقیق محمد عبدالمعید خان، بیروت: دار الفکر.
- بغوی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۱ق)، معجم الصحابه، تحقیق محمد الامین الحکنی، ج ۱، کویت: دار البیان.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، تحقیق عبد الوهاب عبد اللطیف، ج ۵، بیروت: دار الفکر.
- جلالی، سید محمدرضا (۱۴۱۸ق)، تلویح السنه الشریفه، [بی جا]: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- جوهری، احمد بن عبیدالله [بی تا]، مقتضب الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، قم: مکتبه الطباطبائی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، علوم الحدیث، تحقیق سید معظم حسین، بیروت: دار الآفاق الجدیدہ.
- [۱۴۰۶ق]، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف المرعشلی، بیروت: دار المعرفه.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، خلاصه الاقوال، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، قم: منشورات الرضی.

- (١٤١٠ق)، الاحكام، تحقيق سيد مهدي الرجائي، ج ١، قم: مؤسسه اسماعيليان.
- حميري، عبدالله بغدادی (١٤١٣ق)، قرب الاسناد، تحقيق موسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مهر.
- خطيب بغدادی، احمد بن علی (١٤٠٦ق)، الکتابيه في علم الروايه، تحقيق احمد عمر هاشم، بيروت: دار الكتاب العربي.
- خليفه بن خياط (١٤١٤ق)، التاريخ، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دار الفكر.
- دينوري، ابو حنيفه (١٩٦٠م)، الاخبار الطوال، تحقيق عبد المنعم عامر، [بی جا]: دار احياء الكتب العربي
- ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد (١٤١٣ق)، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط و حسين الاسد، بيروت: مؤ الرساله.
- [بی تا]، تذکر الحفاظ، تحقيق شيخ زكريا عميرات، بيروت: دار الكتب
- زرکلي، خير الدين (١٤١٠ق)، الاعلام، بيروت: دار العلم للملايين.
- سزگين، فؤاد (١٤١٢)، تاريخ التراث العربي، قم: مکتبه آيه الله المرعشي النجفي.
- سيوطي، جلال الدين (١٤١٠ق)، اسعاف المبتطأ في رجال الموطأ، تحقيق موفق فوزي جبر، بيروت: دار الهجر .
- (١٤١٨ق)، حسن المحاضره في اخبار مصر و القاهره، تحقيق خليل منصور، بيروت: دار الكتب العلميه.
- شوشتری، محمد تقی (١٤١٥ق)، قاموس الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (١٤٠٤ق)، من لا يحضره الفقيه، تحقيق علی أكبر غفاری، قم: جما المدرسين.
- (١٤١٧ق)، الامالی، تحقيق مؤ ، قم.
- [بی تا]، الخصال، تحقيق علی أكبر غفاری، قم: جما المدرسين.
- [بی تا]، کمال الدين، تصحيح علی أكبر غفاری، قم: جما المدرسين.
- طبرانی، سليمان بن احمد [بی تا]، المعجم الكبير، تحقيق حمدي عبد المجيد السلفي، قاهره: ابن تيميه.
- طبري، محمد بن جرير (١٣٨٧ق)، تاريخ الطبري، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث.
- طوسي، محمد بن حسن (١٤١١ق)، الغيبه، تحقيق عباد الله الطهراني و شيخ علي احمد الناصح، قم: مؤ المعارف الاسلاميه .
- (١٤١١ق)، مصباح المتعجد، بيروت: مؤ فقه الشيعه.
- (١٤١٤ق)، الامالی، تحقيق ، قم: دار التقا .
- (١٤٠٤ق)، اختيار معرفة الرجال، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم: مؤسسه آل البيت.
- (١٤١٥ق)، الرجال، تحقيق جواد القيومي، قم: جا المدرسين.
- عماد الدين طبري، محمد بن علی (١٤٢٠ق)، بشار المصطفى المرتضى، تحقيق جواد القبيومي الاصفهاني، قم: مؤ النشر الاسلامی.
- قاضي نعمان مصري (١٤١٢ق)، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، تحقيق سيد محمد حسيني جلالی، قم: مؤ النشر الاسلامی.
- قمی، محمد بن احمد بن شاذان (١٤٠٧ق)، مأ ، تحقيق محمد باقر بن مرتضى الموحد الابطحي، قم: مؤ الامام المهدي.

- قمی، شاذان بن جبرئیل (۱۳۸۱)، *الفضائل*، نجف: الحیدریه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۱۲ق)، *مناقب امیر المؤمنین (ع)*، تحقیق محمد باقر المحمودی، قم: مجمع التقی الاسلامی.
- مالک بن انس (۱۴۰۷ق)، *المدو الکبری*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۲۴ق)، *تقیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق محیی الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: موسسه الوفاء.
- مزئی، ابوالحجاج یوسف (۱۴۱۴ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق سهیل ذکار، بیروت: دار الفکر.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب*، ج ۳، قم: مؤ دارالهجره.
- [بی تا]، *التنسیه والاشراف*، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی.
- معروف الحسنی، هاشم (۱۳۹۸ق) *دراسات فی الحدیث و المحدثین*، بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر العالمی لأ الشیخ المفید.
- [بی تا] (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد*، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: المؤتمر العالمی لأ الشیخ المفید.
- [بی تا] (۱۴۱۳ق)، *الامالی*، تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، قم: المؤتمر العالمی لأ الشیخ المفید.
- [بی تا] (۱۴۱۳ق)، *الجمال*، تحقیق سید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمی لأ الشیخ المفید.
- [بی تا] (۱۴۱۴ق)، *مسار الشیعه*، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ق)، *السنن الکبری*، تحقیق عبد الغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم [بی تا]، تهران: الصدوق.
- وائقی، حسین (۱۳۷۸ش)، *جابرین عبدالله الأنصاری حیاته و مسنده*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق)، *فتوح الشام*، تحقیق عبداللطیف عبدالرحمن، بیروت: دار الکتب.
- [بی تا] (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، تحقیق مارسلن جونس، بیروت: مؤ الاعلمی.
- [بی تا] (۱۳۶۹ش)، *مغازی*، تاریخ جنگهای پیامبر (ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ ۲.
- هدایت پناه، محمدرضا (۱۳۹۱)، *زبیریان و تدوین سیره نبوی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [بی تا] (۱۳۹۰)، شیعه بنیانگذار دانش صحابه نگاری، *مجله علمی پژوهشی «پژوهش نامه تاریخ اسلام»*، ش ۴.
- هوروفس، یوسف (۱۴۲۱ق)، *المغازی الاولی و مؤلفوها*، ترجمه حسین نصار، قاهره: مکتبه خانجی.